

مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی  
جمهوری اسلامی ایران  
شماره بیست و چهارم، ۱۳۷۸، صص ۱۱۹ - ۳۱

## نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی

دکتر محسن محبی

### مقدمه

نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی<sup>۱</sup> مهم‌ترین نظام داوری تجاری بین‌المللی در دوران معاصر است و همواره در عرصه داوری بین‌المللی پیشتاز و اثرگذار بوده و نقش مهمی در ترویج و توسعه اسلوب داوری در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی داشته است. هم‌قواعد داوری اتاق و هم آراء داوری که در چارچوب داوری‌های اتاق صادر می‌شود، از مهم‌ترین منابع حقوقی در زمینه داوری بین‌المللی است و از عوامل شکل‌دهنده و سازنده رویه داوری بین‌المللی به شمار می‌رود.

ممتاز و پیشرو بودن نظام داوری

---

1. International Chamber of Commerce (ICC).

اتفاق و رواج و مقبولیت وسیع آن نزد تجار و بازرگانان و شرکتها و مؤسسات تجاری بین‌المللی مرهون عوامل گوناگونی است که از جمله آنها می‌توان به چند عامل مهم‌تر که به جایگاه ساختاری آن برمی‌گردد اشاره کرد. اول، ریشه داشتن نظام داوری اتفاق در بطن بزرگترین شکل بخش خصوصی اقتصادی در سطح جهانی یعنی اتفاق بازرگانی بین‌المللی و سابقه طولانی آن که سالهاست در عمل مورد استفاده است و تجربه می‌شود. دوم، داشتن مجموعه قواعد داوری منسجم و در عین حال منعطف که بیشترین آزادی عمل را برای اصحاب دعوا پیش‌بینی کرده است. این قواعد متناسب با تحولات حقوق داوری بین‌المللی و نیز نیازهای جدید در حوزه تجارت بین‌الملل طراحی شده و هر از چند سال مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفته و آخرین بار نیز در سالهای اخیر مورد بررسی و تجدید نظر واقع شده و قواعد جدید داوری اتفاق از اول ژانویه ۱۹۹۸ (۱۱ دی ۱۳۷۶) لازم‌الاجرا شده و هم‌اکنون مورد استفاده است.<sup>۲</sup> سوم، استقلال و

---

۲. همزمان با تحریر این مقاله، قواعد جدید داوری اتفاق

خودگردان بودن نظام داوري اتاق و برخورداري از يك سازمان داوري مناسب و مجهز و توانا مركب از ديوان داوري و دبیرخانه آن، كه اداره و نظارت مستمر و مؤثر بر جريان داوري‌هايي كه به قواعد داوري اتاق ارجاع مي‌شود، و نيز رفع و رجوع مشكلات و بن‌بست‌هايي كه احياناً در طول داوري حادث مي‌شود، برعهده آن است. ضمناً وجود هـ مین سازمان داوري فرصتي ايجاد کرده كه آراء داوري و تجاربي كه در داوري‌هاي اتاق در سراسر جهان و بين طرفين و توسط داوراني با فرهنگ‌هاي مختلف و نظام‌هاي حقوقي گوناگون توليد مي‌شود، به خوبي جمع‌آوري و متراكم شود و از اين گنجينه تجارب براي سياستگذاري‌هاي اتاق و بهينه‌سازي نظام داوري آن استفاده شود.

البته علاوه بر اين ويژگي‌هاي سازمانی، رژیم داوري اتاق بازرگاني بين‌المللي ويژگي‌هاي حقوقي و کارکردي خاصي هم دارد كه بعداً در جاي خود راجع به آنها بحث مي‌كنيم (رك. مباحث بند هـ،

---

هم به فارسي ترجمه شده كه در قسمت اسناد بين‌المللي همين شماره مجله حقوقي آورده ايم.

قسمت دوم).

در این مقاله ابتدا خود اتاق بازرگانی بین‌المللی را مختصراً معرفی می‌کنیم تا زمینه بحث درباره نظام داوری اتاق فراهم شود (قسمت ۱). معرفی نظام داوری اتاق، امتیازات داوری به‌طورکلی و سپس ویژگی‌های کارکردی و حقوقی نظام داوری اتاق موضوع مباحث قسمت بعدی است (قسمت ۲). آنگاه جریان داوری و ترتیبات و تشریفات آن تحت قواعد داوری اتاق را با تفصیل بیشتر مطالعه می‌کنیم و مراحل مختلف جریان داوری و نحوه نظارت سازمان داوری اتاق بر آن را توضیح می‌دهیم و در مطاوی بحث، قواعد جدید داوری اتاق را که در واقع آیین دادرسی در داوری است نیز بررسی می‌کنیم (قسمت ۳).

## ۱

### اتاق بازرگانی بین‌المللی

اتاق بازرگانی بین‌المللی توسط عده‌ای از بازرگانان و تجار بخش خصوصی بعد از جنگ جهانی اول به سال ۱۹۱۹ تأسیس شده است. این اتاق بزرگترین و

مهم‌ترین شکل سازمان‌یافته بخش خصوصی اقتصادی است که به صورت یک سازمان بین‌المللی غیردولتی (NGO)<sup>۳</sup> تشکیل گردیده است و در صحنه بازرگانی بین‌المللی حضور و نقش مؤثرتری داشته است، به نحوی که امروزه طرف مشورت و همکاری و هماهنگی با سازمان‌های بین‌المللی تخصصی مانند سازمان تجارت جهانی (WTO)<sup>۴</sup>، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا (OECD)<sup>۵</sup>، شورای تجارت و توسعه سازمان ملل متحد (UNCTAD)<sup>۶</sup> می‌باشد.

هدف اصلی و محوری اتاق بازرگانی بین‌المللی عبارت است از هماهنگی و تسهیل مراودات بازرگانی و فعالیت‌های تجاری و اقتصادی در سطح جهانی، رفع موانع و مشکلات آن، تقویت سیستم اقتصاد بازار بر مبنای رقابت آزاد، تسریع و روان‌سازی مبادلات تجاری با تأکید بر نقش بخش خصوصی، هماهنگی و یکسان‌سازی عرف‌ها و رویه‌های تجاری در زمینه‌های مختلف و بالاخره حفظ منافع دست‌اندرکاران تجارت و

---

3. Non-Government Organization.

4. World Trade Organization.

5. Organization for Economic Cooperation and Development.

6. United Nations Council for Trade and Development.

بازرگانی بین‌المللی در کشورهای جهان. یکی از اقدامات و برنامه‌های مهم اتاق برای تحقق این اهداف تأسیس نظام داوری بوده است.

### الف - ساختار اتاق بازرگانی بین‌المللی

اتاق بازرگانی بین‌المللی به موجب اساسنامه‌ای اداره می‌شود که در سال تأسیس آن (۱۹۱۹) به تصویب «شورای جهانی»<sup>۷</sup> اتاق رسیده است. مقر و محل اصلی اتاق بازرگانی بین‌المللی در پاریس است، اما هیچ‌گونه ارتباطی با کشور فرانسه ندارد و چنان‌که اشاره شد، یک سازمان بین‌المللی خصوصی و غیردولتی مستقل (NGO) محسوب می‌شود.

بالاترین مقام اجرایی اتاق، رئیس آن است که از بین شخصیت‌های تجاری موجه و معتبر در بخش خصوصی و توسط «شورای جهانی» اتاق انتخاب و منصوب می‌شود و در حال حاضر یک بازرگان لبنانی (آقای عدنان قصار) مقیم پاریس است. «شورای جهانی» عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اتاق است و در واقع مجمع

---

7. World Council.

عمومي اتاق به شمار مي‌رود. «شوراي جهاني» متشکل از هيأت نمايندگان بخش خصوصي در کشورهاي مختلف است که از طريق «کميته ملي» اتاق در هر کشور معرفي مي‌شود. رکن ديگر اتاق، «هيأت اجرايي» (هيأت رئیسه)<sup>۸</sup> است که مي‌تواند تا ۳۰ عضو داشته باشد و در حال حاضر ۲۵ عضو دارد. اعضاي هيأت اجرايي با پيشنهاد رئيس اتاق و تصويب «شوراي جهاني» آن به مدت ۳ سال منصوب مي‌شوند و وظيفه آن اجراي مصوبات و تصميمات اين شورا است. «دبيرخانه بين‌المللي»<sup>۹</sup> رکن ديگر از سازمان اتاق است که کار آن ايجاد هماهنگي بين بخشهاي مختلف اتاق و نيز انجام ارتباطات اتاق با اعضا و سايرين است.

ساختار مياني اتاق بازرگاني مشتمل است بر کميسیونهاي تخصصي، گروههاي کاري تخصصي و واحدهاي سازمانی مستقل. کميسیونهاي مختلف مهم‌ترين واحد سازمانی اتاق است که هرکدام عهده‌دار بررسي و مطالعه در يکي از عرصههاي تجارت

---

8. Executive Board.

9. International Secretariat.

بین‌المللی می‌باشند و زیر نظر دبیرخانه فعالیت می‌کنند. اعضای کمیسیون‌های اتاق بازرگانی از بین متخصصین رشته مربوط انتخاب می‌شوند و زیر نظر دبیر کمیسیون انجام وظیفه می‌کنند. علاوه بر این، گروه‌های کاری تخصصی نیز برحسب نیاز تشکیل می‌شود که کار آنها انجام پروژه‌های تحقیقاتی است. واحدهای سازمانی مستقل که در داخل چارچوب اتاق ایجاد شده‌اند وظایف و اختیارات وسیع‌تری دارند و هر یک در یکی از حوزه‌های مربوط به تجارت بین‌الملل فعال می‌باشند. واحدهای سازمانی به صورت مستقل و دائمی تشکیل شده‌اند، درحالی‌که گروه‌های کاری پس از انجام کار یا پروژه مربوط، منحل می‌شوند.

کمیسیون‌ها و گروه‌های خاص و واحدهای سازمانی مستقل اتاق که در حال حاضر در اتاق تشکیل شده و فعال می‌باشند، عبارتند از:

کمیسیون‌ها: مهم‌ترین گروه‌های خاص:



- بانکداری
- محیط‌زیست
- تجارت در جامعه
- گروه مشورتی
- اقتصاد اتاق
- نیرو
- الکترونیک
- خدمات مالی و بیمه
- کمیته مبارزه با
- اخاذی و رشوه در
- مالکیت صنعتی و معنوی
- بازرگانی
- داوری بین‌المللی
- واحدها و مؤسسات
- سازمانی اتاق:
- رویه‌های تجاری بین‌المللی
- مؤسسه حقوق
- تجارت بین‌الملل
- تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری
- دفتر
- بین‌المللی اتاقهای بازرگانی
- حقوق و رویه‌های مربوط به رقابت
- بین‌المللی
- بازاریابی، تبلیغات و توزیع کالا و
- دفتر مبارزه با جرائم و تقلبات خدمات
- تجاری
- مالیات
- مؤسسه انتشارات
- ارتباطات بین‌المللی
- دفتر ارتباط با
- سازمان ملل و سایر
- حمل و نقل (زمینی، دریایی، هوایی)
- سازمانهای

## بين المللي

- ديوان بين المللي

داوري

- مركز كارشناسي

همان طور كه ملاحظه مي شود، ديوان بين المللي داوري اتاق يكي از واحدهاي سازمانی اتاق است، اما چنان كه خواهيم ديد، اتاق در كار خود كاملاً مستقل است و اعضاي آن مستقيماً توسط كميتة ملي هر كشور معرفي مي شوند و با تأييد «شوراي جهاني» اتاق منصوب مي شوند. اين ديوان داراي يك دبیرخانه است كه خدمات لازم را به ديوان داوري اتاق و نيز به اصحاب دعوا و داوران در هر پرونده ارائه مي كند. ديوان داوري و دبیرخانه دوركني هستند كه روي هم رفته «سازمان داوري اتاق» را تشكيل مي دهند و بعداً در قسمت ۲ درباره آن توضيح مي دهيم.

### بد كميتة هاي ملي اتاق

همان طور كه گفتيم، اتاق بازرگاني بين المللي محل تجمع و تشكّل بازرگانان و شركتها و مؤسسات تجاري بخش خصوصي از

سراسر جهان است و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی که در عرصه تجارت و بازرگانی به معنای وسیع آن، منجمله صنعت، فعالیت دارند می‌توانند به عضویت اتاق در پاریس درآیند. ارتباط اتاق با بخش خصوصی هر کشور از طریق «کمیته ملی» اتاق در آن کشور است و عضویت تجار و بازرگانان هر کشور در اتاق نیز از طریق همین کمیته ملی صورت می‌گیرد. کمیته ملی اتاق را در هر کشور بازرگانان بخش خصوصی و فعالان در حوزه تجارت و بازرگانی تشکیل می‌دهند، که اغلب اعضای اتاق بازرگانی داخلی آن کشور نیز هستند. به هر حال، همین که اعضای کمیته ملی اتاق در کشور به حد نصاب (دستکم ۱۵ عضو) برسد و تأسیس شود می‌تواند در اتاق پاریس عضو شود و اعضای آن یکجا به عضویت اتاق بازرگانی بین‌المللی درمی‌آیند. کمیته ملی هر کشور رابط بخش بازرگانی و تجارت آن کشور با اتاق بازرگانی و بالعکس است و از خدمات اتاق برخوردار می‌شود. در صورتی‌که در کشوری کمیته ملی وجود نداشته باشد، بازرگانان و تجار علاقمند می‌توانند مستقیماً به عضویت اتاق درآیند

**نظام داورى اتاق بازرگانى بين‌المللى ❖ ۴۱**

که البته مشروط به تصویب درخواست آنها در «شورای جهانی» اتاق می‌باشد.

در ایران، کمیته ملی اتاق بازرگانی بین‌المللی اول‌بار به سال ۱۳۵۴ از طریق اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران تشکیل شده و فعال بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با اینکه نقش بخش خصوصی در اقتصاد کشور محدود و کم‌رنگ شد، اما کمیته ملی ایران منحل نشد ولی طبعاً در سطح محدودتری وجود داشته است و پس از یک دوره فترت مجدداً از سال ۱۳۶۴ دور جدید فعالیت خود را آغاز کرده است و در حال حاضر قریب ۱۳۰ عضو دارد که همگی از طریق کمیته ملی ایران به عضویت اتاق بازرگانی بین‌المللی در پاریس درآمده‌اند. کمیته ملی اتاق در ایران به موجب اساسنامه اداره می‌شود که ارکان آن را مشخص کرده است (رئیس، شورای کمیته، هیأت رئیسه، دبیرکل). کار اصلی کمیته ملی عبارت است از ایجاد ارتباط بین اعضا و اتاق پاریس، مبادله اطلاعات و انتقال دستاوردها و نتایج حاصله از فعالیت‌های اتاق پاریس در زمینه‌های گوناگون تجارتي به سطح داخلی، ارائه

خدمات کارشناسی در زمینه تجارت بین‌المللی به اعضا، آموزش و ارتقاء دانش و اطلاعات تجاری اعضا از طریق برگزاری سمینارهای آموزشی و تخصصی و انتشارات، و بالاخره تسهیل و تسریع مراودات تجاری بین‌المللی و فراهم کردن زمینه همکاری مشترک در سطح تجارت بین‌المللی. کمیته ملی ایران پس از تجدید فعالیت در سال ۱۳۶۴ مبادرت به تشکیل چهار کمیسیون تخصصی کرده که قرینه بعضی کمیسیون‌هایی است که در اتاق پاریس وجود دارد. کمیسیون‌های تخصصی کمیته ملی ایران عبارتند از: کمیسیون بانکداری، کمیسیون حمل و نقل، کمیسیون حقوقی و داور، کمیسیون بیمه. هر کمیسیون یک نفر دبیر دارد و اعضای کمیسیون‌ها از کارشناسان ارشد رشته مربوط می‌باشند. کمیسیون‌ها زیر نظر دبیرخانه کمیته فعالیت می‌کنند.

تا جایی‌که به نظام داور، اتاق مربوط می‌شود، کمیته‌های ملی دو وظیفه سازمانی دارند: یکی معرفی عضو برای دیوان داور، اتاق و دوم معرفی و پیشنهاد داور در مواردی که دیوان

**نظام داور، اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۴۳**

استعلام می‌کند (ماده ۹ (۳) و (۶) قواعد داوری اتاق).

### ج- دو فعالیت ویژه اتاق

باتوجه به وسعت و اهمیت وظایف اتاق و حوزه فعالیت‌های آن در سطح بین‌المللی، اتاق بازرگانی بین‌المللی شیوه‌های مختلفی را برای انجام وظایف و تحقق اهداف خود به‌کار می‌گیرد، و تشکیلات مناسبی را نیز در داخل سازمان اتاق ایجاد کرده است که قبلاً آنها را معرفی کردیم. اما در بین شیوه‌ها و راهکارهایی که اتاق برای انجام برنامه‌ها و تحقق اهداف خود به‌کار می‌گیرد، دو راهکار اساسی وجود دارد که بیش از همه مورد استفاده است و ابتکار آن مخصوص اتاق است و فعالیت‌های راهبردی اتاق را صورت‌بندی و مشخص می‌کند: یکی تهیه و جمع‌آوری رویه‌ها و عرف‌های تجاری در زمینه انواع فعالیت‌های تجاری و تنظیم و تدوین آنها به صورت «مقررات متحدالشکل»، که اثر مهم و وسیعی در یکسان‌سازی و قاعده‌مند کردن و نهایتاً

تسهیل مراودات تجاری دارد.<sup>۱۰</sup> دوم، تشکیل چند سازمان تخصصی دائمی و مستقل در چارچوب تشکیلات اتاق مانند مؤسسه حقوق و رویه تجاری، یا مرکز کارشناسی بین‌المللی که کار آنها ارائه خدمات تخصصی در زمینه بازرگانی بین‌المللی است، که در بین این سازمانها «دیوان بین‌المللی دآوری اتاق» مهم‌تر و قدیمی‌تر

---

۱۰. در بین انواع مقررات متحدالشکل تجاری که اتاق بازرگانی تدوین کرده، رایج‌تر و مهم‌تر از همه «مقررات و رویه‌های متحدالشکل اعتبارات اسنادی بانکی» است که تقریباً کلیه بانکهای سراسر جهان (منجمله بانکهای ایران) سالهاست عملیات اعتبار اسنادی خود را در قالب همین مقررات انجام می‌دهند. این مقررات اصطلاحاً UCPD 500 نامیده می‌شود (Uniform Practices and Customs of Documentary Credits, ICC Pub. NO. 500) و کمیته ایرانی اتاق آن را به فارسی ترجمه و منتشر کرده است. نیز می‌توان به مقررات متحدالشکل مربوط به «تحویل کالا» در قراردادهای خرید و فروش بین‌المللی اشاره کرد که «اینکوترمز» (International Commercial Terms) نام دارد و حالت‌های مختلف «تحویل کالا» (delivery) را که در تجارت بین‌المللی متداول است تعریف کرده و تکالیف و تعهدات هر یک از خریدار و فروشنده را در هر حالت مشخص نموده است. آخرین اصلاحیه این مقررات موسوم به «اینکوترمز ۲۰۰۰» است که توسط کمیته ایرانی اتاق به فارسی نیز ترجمه و منتشر شده است. مقررات متحدالشکل مربوط به ضمانتنامه‌های بانکی غیرمشروط (عندالمطالبه) موسوم به Uniform Rules for Demand Guarantees نیز از جمله مقررات دیگری است که اتاق بازرگانی بین‌المللی بر اساس رویه‌ها و عرف‌های بانکی و تجاری جمع‌آوری و تدوین کرده است. از نظر حقوقی، الزام آور بودن این مقررات ناشی از آن است که به صورت «شرط ضمن قرارداد» مورد توافق طرفین قرار می‌گیرد.

**نظام دآوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۴۵**

است و در عمل موفقیت‌های زیادی کسب نموده است و همان‌طور که پیش از این اشاره کردیم، نظام داوری اتاق يك نظام پیشرو، شاخص و اثرگذار در عرصه داوری بین‌المللی به‌شمار می‌رود. معرفی بیشتر این سازمان داوری و بحث و بررسی در اطراف قواعد داوری آن موضوع اصلی این نوشته است.

## ۲

### نظام داوری اتاق

**الف زمینه‌های تأسیس سازمان داوری اتاق**  
نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی در سال ۱۹۲۳ تأسیس شده است یعنی چهار سال پس از تشکیل خود اتاق به سال ۱۹۱۹. تهیه قواعد داوری و تشکیل دیوان داوری اتاق در چنین فاصله کوتاهی نشان‌دهنده این واقعیت است که مسؤولان و سیاستگذاران اتاق از همان ابتدای کار متوجه شدند که گرچه وقوع اختلافات و دعاوی بین تجار و بازرگانان، امری طبیعی است اما اگر به‌درستی و با شیوه‌های مناسب حل و فصل نشود، یکی از



موانع اساسي مراودات تجاري است و موجب اتلاف وقت و هزينه مي‌شود. از طرفي، در جستجوي شيوه‌هاي مناسب حل و فصل دعاوي تجاري به اين حقيقت پي بردند كه دعاوي و اختلافات تجاري كه در سطح بين‌المللي رخ مي‌دهد ويژگي‌هاي دارند كه دشواريهاي خاصي در راه حل و فصل آنها به شيوه‌هاي سنتي مانند مراجعه به دادگاههاي دولتي يا حتي داوري‌هاي پراكنده ايجاد مي‌كند. در واقع طبيعت حقوقي پيچيده و چندلايه بودن دعاوي بين‌المللي كه ناشي از قراردادهاي بين‌المللي با موضوعات مختلف است (از قرارداد خريد و فروش ساده گرفته تا قراردادهاي سرمايه‌گذاري) اقتضا مي‌كند كه رسيدگي و حل و فصل آنها توسط اشخاصي انجام شود كه هم مورد اعتماد طرفين باشند و هم از تسلط و تخصص لازم در رشته مربوط برخوردار باشند. چنانكه خواهيم ديد، مناسبترين شيوه حل اختلاف كه اين اقتضائات را برمي‌آورد، همانا شيوه داوري است.

گفتيم ويژگي‌هاي دعاوي بين‌المللي در انتخاب شيوه حل و فصل آنها مؤثر است. بعض اين ويژگي‌ها را ذيلاً مرور مي‌كنيم:

**نظام داوري اتاق بازرگاني بين‌المللي ❖ ۴۷**

(۱) ارتباط حقوقی قرارداد و اختلاف حاصل از آن با نظام حقوقی و قوانین کشورهای مختلف (از محل انعقاد قرارداد گرفته تا محل اجرا و محل پرداخت) که مداخله هر یک از این قوانین می‌تواند مسائل حقوقی پیچیده‌ای را پیش‌آورد و رسیدگی دادگاه را طولانی‌تر سازد؛

(۲) تنوع فرهنگی اصحاب دعوا و حتی قاضی رسیدگی‌کننده به دعوا که هر کدام تاریخ و فرهنگ متفاوتی دارند بویژه از حیث برداشتی که از مفهوم حل و فصل عادلانه دارند و نیز انتظاراتی که به دنبال چنین برداشتی در ذهن ایشان ایجاد می‌شود؛

(۳) عدم تمایل طرفین در مراجعه به مراجع قضایی کشور طرف مقابل یا حتی کشور ثالث به علت ناآشنایی و گاه بی‌اعتمادی به نظام حقوقی و قضایی آن کشور؛

(۴) بیم از بی‌مهری احتمالی مراجع رسیدگی دولتی در کشور بیگانه به علت احتمال نفوذ و تأثیر عوامل کشوری یا ملی یا اجتماعی در سرنوشت دعوا بویژه در مواردی که طرف یک دستگاه دولتی در

کشور محل دادگاه باشد، که باعث می‌شود طرفین از مراجعه به دادگاه‌های داخلی اکراه داشته باشند؛

۵) پرهزینه بودن رسیدگی قضایی و الزام به داشتن وکیل در بعضی کشورها و نیز طولانی و چند مرحله‌ای بودن جریان رسیدگی دادگاه تا صدور حکم نهایی و لازم‌الاجرا؛

۶) احتمال افشای اسرار تجاری و اسناد و مدارک طرفین که در جریان رسیدگی علنی در دادگاه خواه ناخواه مطرح می‌شود؛

۷) ناکارآمدی سیستم قضایی داخلی برای رسیدگی صحیح و مطمئن به دعاوی بین‌المللی و عدم تخصص قضات داخلی، به این علت که آیین دادرسی داخلی علی‌الاصول برای حل و فصل دعاوی داخلی هر کشور طراحی می‌شود و قضات هم اساساً برای رفع منازعات و دعاوی داخلی تربیت می‌شوند.

هریک از موارد فوق یکی از ویژگی‌های دعاوی بین‌المللی را رقم می‌زند که به نوبه خود بستر مناسبی است که اگر دعاوی بین‌المللی در محاکم داخلی مطرح شود یا حتی اگر به داورهای موردی و خارج از

نظارت ارجاع شود، می‌تواند دشواری‌های مهمی را در راه حل و فصل این قبیل دعاوی ایجاد کند. همین ملاحظات بود که مسؤولان اتاق را قانع کرد که شیوه‌های سنتی حل و فصل دعاوی پاسخگویی دعاوی تجاری بین‌المللی نیست و با ضرورت‌های تجارت آن هم در سطح بین‌المللی، از قبیل سرعت و دقت و بویژه اعتماد متقابل، تناسبی ندارد و باید از مکانیسم‌ها و شیوه‌های دیگری برای رفع اختلافات تجاری بین‌المللی استفاده شود.

### **بـ « داوری»: قاضی طبیعی برای دعاوی بین‌المللی**

به‌طورکلی، شیوه‌های حل و فصل اختلافات (بویژه در سطح بین‌المللی) را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: یکی رسیدگی قضایی در محاکم که بنا به ماهیت خود علی‌الاصول شیوه «ترافعی» است، دوم شیوه‌های دوستانه که مبتنی بر «تراضی» طرفین دعوا است. گروه دوم، خود مشتمل است بر داوری،<sup>۱۱</sup> سازش،<sup>۱۲</sup> مراجعه به

---

11. Arbitration.

12. Conciliation.

کارشناس،<sup>۱۳</sup> میانجیگری<sup>۱۴</sup> و واقعیت‌یابی<sup>۱۵</sup> که وجه مشترک همه آنها، همان‌طور که اشاره شد، توافق و تراضی قبلی طرفین است که در واقع اساس صلاحیت و مشروعیت مرجع رسیدگی مربوط را نیز تشکیل می‌دهد. همین ویژگی، یکی از مهم‌ترین وجوه افتراق شیوه‌های رسیدگی دوستانه را با رسیدگی قضایی رقم می‌زند، زیرا برای استفاده از شیوه رسیدگی قضایی در دادگاه نیازی به توافق قبلی طرفین نیست و هر یک از طرفین دعوا می‌تواند به دادگاه مراجعه و درخواست رسیدگی نماید. اصولاً دادگاه دارای صلاحیت عام است و مشروعیت و اقتدار آن برای رسیدگی به دعاوی ناشی از قانون است و توافق اصحاب دعوا نقشی در آن ندارد.

به هر حال، جوهر اصلی شیوه‌های دوستانه حل و فصل دعاوی عبارت است از تراضی و توافق اصحاب دعوا که برای حل اختلاف به شخص ثالث رجوع کنند. همین تراضی است که باعث می‌شود اولاً فضایی سنگین نزاع و بگومگو در دادگاه، به جو

---

13. Expertise.

14. Mediation.

15. Fact-Finding.

دوستانه تبدیل شود و از انعطاف زیادی برخوردار باشد و ثانیاً اصحاب دعوا آزادی عمل فراوانی در نحوه حل و فصل دعاوی خود داشته باشند.<sup>۱۶</sup> شیوه‌های دوستانه حل اختلاف- بویژه داوری- هم در دعاوی داخلی قابل استفاده است و هم در دعاوی بین‌المللی؛ با این تفاوت که در دعاوی داخلی مراجعه به دادگاه یا به داوری جایگزین یکدیگر می‌باشند، درحالی‌که در دعاوی بین‌المللی چون دادگاه بین‌المللی وجود ندارد، مراجعه به داوری عملاً شیوه منحصر به فرد حل اختلاف به‌شمار می‌رود.

به هر حال، اتاق بازرگانی بین‌المللی که کوتاه زمانی پس از تشکیل و در

---

۱۶. بین داوری با کارشناسی و سازش و میانجیگری چه از حیث نحوه انجام آنها و چه از حیث آثار هریک، تفاوت‌هایی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از این‌که نتیجه رسیدگی در داوری که به صورت رأی صادر می‌شود، نسبت به طرفین لازم‌الاجرا است و کلیه آثار مترتب بر «رأی» را دارد و بنابراین واجد «اثر امر مختومه» نیز هست. درحالی‌که نتیجه رسیدگی‌های شخص ثالث در شیوه سازش، میانجیگری یا کارشناسی فی‌نفسه الزام‌آور نیست بلکه برحسب مورد حاوی پیشنهادها یا داده‌هایی برای حل و فصل اختلاف است که طرفین می‌توانند آن را بپذیرند و اجرا کنند یا کنار گذارند؛ و به هر حال مسلماً آثار حقوقی رأی را ندارد. بدیهی است اگر طرفین بپذیرند آن را رعایت کنند، طبعاً متعهد به اجرای آن می‌باشند.

چارچوب اهداف راهبردي خود يعني تسهيل مراودات و مبادلات تجاري بين‌المللي و رفع موانع آن، در جستجوي نظام حقوقي آنسب و اصلح براي حل و فصل اختلافات و دعاوي تجاري برآمده بود، با توجه به همين ملاحظات بود که به اين نتيجه رسيد که «قاضي طبيعي» براي رفع منازعات و دعاوي تجاري بين‌المللي همانا اسلوب داوري است. در هر صورت، اتاق در سال ۱۹۲۳ مبادرت به تأسيس «ديوان داوري اتاق بازرگاني بين‌المللي» نمود و قواعد داوري آن را نيز تهيه و تدوين کرد و بدینسان نظام داوري اتاق در همان سال پا گرفت.<sup>۱۷</sup>

امتیازات داوري را به تفصیل در بخش بعدي مورد مطالعه قرار مي‌دهيم، در اينجا لازم است اشاره کنيم که جاذبه

---

۱۷. اتاق بازرگاني بين‌المللي، علاوه بر شيوه داوري، روش سازش (Conciliation) را نيز براي حل و فصل دعاوي تجاري مناسب تشخيص داده و آن را تشويق و ترويج مي‌کند و حتي قواعدي براي استفاده از شيوه سازش نيز تدوين کرده و آن را طوري سازماندهي کرده است که تحت نظارت اتاق انجام شود. «قواعد سازش» که اتاق تهيه و تدوين نموده و در حال حاضر مورد استفاده است، آخرين بار به سال ۱۹۸۸ مورد بازبيني و اصلاح قرار گرفته است. ترجمه فارسي اين قواعد سازش را نيز در بخش اسناد بين‌المللي، همين شماره ملاحظه مي‌کنيد.

اصلي داوري در عنصر توافق و تراضي اصحاب دعوا نهفته که عرصه وسيعي را براي آزادي انتخاب و عمل طرفين ايجاد مي‌کند که از انتخاب داور يا داوران گرفته تا نحوه رسيدگي و تعيين آيين داوري و قانون ماهوي حاکم بر دعوا و حتي نحوه اجرائي رأي داوري گسترده است.<sup>۱۸</sup> پس، قبل از توضيح ويژگي‌هاي نظام داوري اتاق، ببينيم علاوه بر عنصر تراضي و توافق که جوهر داوري است، امتيازات ديگر آن کدام است که آن را به «قاضي طبيعي» براي حل و فصل اختلافات بين‌المللي تبديل کرده است.

### ج - امتيازات داوري

از مجموع مطالبی که گفتيم به خوبی مي‌توان دريافت که چون اسلوب داوري مبتني بر توافق و تراضي است، جو اعتماد

---

۱۸. داوري اساساً مبتني بر تراضي است (consensual) اما در پاره‌اي موارد «داوري قانوني» نیز وجود دارد (Statutory) که قانونگذار بعض جنبه‌هاي داوري را از قبل معلوم کرده است. مانند آنچه در قانون داوري لندن (۱۹۹۷) پيش‌بینی شده است. مع ذلك حتي در همین موارد نیز شروع و انعقاد داوري مبتني بر توافق اوليه طرفين است و با داوري اجباري (Compulsory) فرق مي‌کند. داوري اجباري در حقوق داخلي قابل تأسيس است که قانونگذار مقرر کرده باشد بعض دعاوي خاص بايد از طريق داوري حل و فصل شود.



و دوستانه‌ای بین طرفین ایجاد می‌کند و از گسترش نزاع و التهاب که معمولاً در حالت بروز اختلاف به وجود می‌آید، جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، چون در داور طرفین می‌توانند افراد مورد نظر و اعتماد خود را با توجه به تخصص آنها به عنوان داور انتخاب نمایند لذا آسودگی خیال بیشتری خواهند داشت که دعوایشان توسط افراد مورد اعتماد و متخصص، با سرعت کافی در رسیدگی، با بیطرفی بیشتر، با رعایت محرمانه بودن اختلافات و حفظ اسرار تجاری ایشان و بالاخره با هزینه کمتری حل و فصل می‌شود. همین‌ها، امتیازات اسلوب داور به‌شمار می‌رود.

### (۱) رعایت تخصص

منشأ اختلافات بین‌المللی، قراردادهای بین‌المللی است. از قراردادهای نسبتاً ساده‌تر خرید و فروش بین‌المللی که بگذریم، قراردادهای انتقال تکنولوژی، اجرای طرحهای عمرانی صنعتی و تولیدی بزرگ، قراردادهای ساختمانی (اعم از ابنیه، سدسازی، پلسازی و امثال آنها)، قراردادهای

نظام داورى اتاق بازرگانى بين‌المللى ❖ ۵۵

تأمین مالی و بانکی، و بالاخره قراردادهای سرمایه‌گذاری که در سطح بین‌المللی منعقد می‌شوند، هر یک متضمن موضوعات و مسائل حقوقی پیچیده و وسیعی هستند. طبیعی است که اختلافات و دعاوی ناشی از چنین قراردادهایی نیز به نوبه خود پیچیده و متنوع و گسترده می‌باشد که حل و فصل آنها از عهده افراد متخصص و آشنا با مسائل قراردادهای بین‌المللی و نوع فعالیت موضوع قرارداد برمی‌آید، و ارجاع آنها به دادگاههای داخلی مطلوب و مطمئن نیست، زیرا قضات محاکم داخلی علی‌الاصول برای رسیدگی به این نوع دعاوی تربیت نشده‌اند و بجز موارد استثنایی اساساً تخصصی در مسائل حقوقی بین‌المللی ندارند و انتظاری هم نمی‌رود که علی‌العموم از چنین تخصص‌هایی برخوردار باشند. به علاوه، دعاوی و اختلافات ناشی از این نوع قراردادها معمولاً متضمن مبالغ هنگفتی است و شرکتها و مؤسسات بزرگ بین‌المللی یا چند ملیتی در آنها درگیر می‌باشند و نتیجه رسیدگی تأثیر مستقیم و مهمی در سرنوشت آنها دارد و به همین لحاظ طرفین این قبیل دعاوی

مایلند که دعوا توسط افراد مورد اعتماد و اهل فن که از موضوع قرارداد و اختلاف حاصله سردر می‌آورند، رسیدگی و تصمیم‌گیری شود. در رسیدگی قضایی توسط دادگاه، طرفین هیچگونه مداخله و نقشی در انتخاب قاضی و حتی آیین دادرسی ندارند. تنها اسلوبی که این امکان را فراهم می‌کند که دعوا به قاضی کارشناس و صاحب‌نظر در موضوع ارجاع شود، داوری است که اصحاب دعوا داور یا داوران مورد نظر خود را که علاوه بر آشنایی و اعتمادی که به او دارند، به عقیده ایشان با فعالیت‌های موضوع قرارداد نیز آشنا هستند و اطلاعات و تجربه کافی دارند، انتخاب می‌نمایند و حتی حاضر می‌شوند که با طیب خاطر رأی او را نیز بپذیرند و اجرا کنند.

## (۲) سرعت و کارایی

امتیاز دیگر داوری، سرعت در رسیدگی و کارایی بیشتر آن در مقایسه با رسیدگی قضایی دادگاه است. اصولاً در داوری، طرفین و داوران ملزم نیستند تشریفات آیین دادرسی را رعایت کنند، بلکه آزادند که متناسب با نوع و موضوع دعوی

مطروحه آيين رسيدگي مناسب را تعيين کنند. داوري از تشريفات وقتگير و پيچيده رسيدگي در محاکم و چند درجه اي بودن رسيدگي و مراحل مختلف بدوي، استيناف و فرجام معاف است. علاوه بر اين، طرفين مي‌توانند حتي قانون ماهوي حاکم بر دعوا را نيز خود انتخاب و تعيين نمايند يا به داوران اختيار دهند که قانون حاکم را تعيين کنند که چون داوران مأخوذ به قوانين داخلي نيستند حتي ضرورتي ندارد قواعد تعارض قوانين را در انتخاب قانون مناسب با همان جزئيات و الزاماتي که قاضي دادگاه دارد، رعايت کنند. و بالاخره، اصحاب دعوا مي‌توانند به داوران خود اجازه دهند که صرفاً به صورت کدخدانوشي<sup>۱۹</sup> يا براساس موازين عدالت و انصاف،<sup>۲۰</sup> دعوا را حل و فصل نمايند، بدون اينکه لازم باشد در تصميم خود به قواعد حقوقي يا قانون موضوعه رجوع و استناد نمايند. اين امکان و اين آزادي عمل در انتخاب آيين رسيدگي و قانون حاکم موجب مي‌شود

---

19. Amiable compositeur.

20. Ex aequo et bono.

که جریان داوري با سرعت کافي و بدون تشریفات زائد و تأخیرهاي ناشي از آن برگزار شود و زودتر به نتیجه برسد. به علاوه، چون آيين دادرسي و قانون حاکم متناسب با موضوع دعوا انتخاب و تعیین می‌شود طبعاً کارايي داوري بالا می‌رود و هدف نهایی که رفع اختلاف است مطمئن‌تر، بهتر و سریع‌تر حاصل می‌گردد. مثلاً گاه با توجه به نوع دعوا یا مبلغ مورد ادعا که قابل توجه نیست، طرفین توافق می‌کنند که پس از يك دور تبادل لایحه و بدون جلسه استماع شفاهي، مرجع داوري صرفاً براساس لوائح کتبي رأی خود را صادر کند. وجود این امکانات باعث شده که اسلوب داوري از سرعت و کارايي بیشتری برای حل اختلافات تجاري برخوردار باشد.

### (۳) بیطرفي

به طورکلي قاضي باید مستقل و بیطرف باشد و شرط سلامت رسیدگی قضايي نیز همین است. اما در دعاوي شرکتهاي خارجي که در محاکم داخلی مطرح می‌شود، بویژه در مواردی که طرف مقابل يك مؤسسه یا شرکت تجاري دولتي است و دعوا در دادگاههاي

کشور متبوع او طرح شده، این احتمال منتفی نیست که قاضی داخلی با محظوراتی مواجه شود یا ناخواسته در مسیری قرار گیرد که مطلوب او نیست یا شرایطی ایجاد شود که تشخیص قضایی او را با موانعی مواجه سازد. در چنین شرایطی مسلماً بیطرفی دادگاه در معرض تردید قرار می‌گیرد. اما در داورها، چون داوران هیچ‌گونه وابستگی دولتی ندارند و اغلب از کشوری بجز کشور متبوع طرفین انتخاب می‌شوند (بویژه رئیس هیأت داوران در داورهای سه نفره و نیز داور منفرد در داورهای یک نفره)، لذا احتمال این‌که تحت تأثیر چنین ملاحظات یا محظوراتی قرار گیرند، علی‌الاصول منتفی است و بهتر و مطمئن‌تر می‌توانند بیطرفی را رعایت نمایند.

علاوه بر این، داور یا داوران باید مستقل از طرفین باشند و بیطرفانه رسیدگی و رأی صادر کنند و مکلفند این استقلال را در طول رسیدگی حفظ نمایند، و در صورتی‌که این وصف را از دست بدهند قابل جرح می‌باشند. بحث درباره استقلال و بیطرفی داور و اهمیت آن از موضوع بحث

ما خارج است، اما همین قدر اشاره می‌کنیم که طرفین هنگام انتخاب داور معمولاً اشخاصی را معرفی می‌کنند که مورد شناسایی و اعتماد ایشان باشند، اما داور منتخب نباید با او رابطه خادم و مخدومی داشته باشد و نیز نباید مستقیم یا غیرمستقیم ذینفع در دعوا باشد. داور، وکیل یا نماینده طرفین نیست و باید مستقل از معرفی‌کننده باشد و در رسیدگی و رأی نیز باید بیطرف باشد. استقلال و بیطرفی<sup>۲۱</sup> داور سلامت رسیدگی و درستی جریان داور و رعایت عدالت را تضمین می‌کند و اهمیت آن بقدری است که همین‌که اوضاع و احوالی حادث شود که استقلال و بیطرفی داور را با تردید مواجه سازد (نه این‌که ثابت کند)، کافی است که بتوان او را جرح نمود. نفس جرح داور - ولو به نتیجه نرسد و ثابت نشود - به معنای اعلام بی‌اعتمادی به داور مجروح است که اغلب باعث می‌شود حتی قبل از تصمیم‌گیری راجع به جرح، خود او کناره‌گیری نماید. این ویژگی‌ها، بیطرفی در رسیدگی داور را بهتر تأمین می‌کند.

---

21. Independent and impartial. (مستقل و بیطرف)

#### (۴) محرمانه بودن

تجار و بازرگانان نسبت به افشای اسرار تجاری خود بسیار حساس‌اند و همه اقدامات و تدابیر لازم را به‌کار می‌گیرند که این اسرار محفوظ بماند. بروز اختلاف و بگومگو در معاملات تجاری، زمینه‌ای فراهم می‌کند که وضعیت تجاری و گرفتاری‌هایی که طرفین در معاملات موضوع اختلاف دارند، تخلفات و قصورهایی که احیاناً در قرارداد یا معامله مربوط مرتکب شده‌اند، بدهی‌هایی که دارند یا ادعا می‌شود که دارند و بالاخره مشخصات و جزئیات قرارداد و معامله مبناي اختلاف، علنی و افشا شود و بویژه اگر موضوع به دادگاه کشانده شود، امکان افشای این حقایق بیشتر می‌شود.

به علاوه، هرچند بروز اختلاف در معاملات تجاری طبیعی است، اما پایان رابطه تجاری نیست. به همین لحاظ اگر بازرگانان نتوانند اختلافات خود را با مذاکره حل کنند و ناگزیر شوند به شیوه‌های حقوقی متوسل شوند، ترجیح می‌دهند طوری عمل شود که به کار و هدف



اصلي ايشان كه همانا ادامه روابط تجاري است، لطمه اي وارد نشود و بتوانند پس از ختم دعوا، مجدداً روابط خود را از سر گيرند. طبعاً اگر جريان حل و فصل دعوا محرمانه باشد، اين هدف بهتر قابل حصول است. داوري اين هدف را به خوبي تأمين مي‌كند، زيرا جريان داوري به صورت محرمانه برگزار مي‌شود و فقط اصحاب دعوا، وكلاي ايشان و داور يا داوران منصوب ايشان در جريان رسيدگي مداخله و حضور دارند و از محتويات پرونده و موضوع دعوا باخبر مي‌شوند و در پايان كار هم نسخه رأي داوري فقط در اختيار طرفين قرار مي‌گيرد و هيچكس از آن مطلع نمي‌شود.

#### (۵) كم‌هزينه بودن

دعاوي تجاري بين‌المللي اغلب متضمن مبالغ هنگفت و زيادي است. مراجعه به دادگستري براي طرح دعوا مستلزم ابطال تمبر و ساير هزينه‌هاي قضايي است و اگر پرونده به مراحل بعدي (استيناف و تجديدنظر و فرجام) بگردد، طبعاً هزينه‌هاي بيشتري بايد پرداخت شود، كه گاه با

نظام داوري اتاق بازرگاني بين‌المللي ❖ ۶۳

توجه به مبلغ دعوا ارقام قابل توجهی را تشکیل می‌دهد. در بعضی کشورها طرح دعوا الزاماً باید از طریق وکیل دادگستری صورت گیرد که به نوبه خود مستلزم پرداخت حق‌الوکاله است. اما در داورها، بجز حق‌الزحمه‌ای که معمولاً به داوران پرداخت می‌شود، هزینه دیگری لازم نیست. البته در داورهای سازمانی، مانند داوران اتاق بازرگانی بین‌المللی علاوه بر حق‌الزحمه داوران، هزینه‌های اداری هم وجود دارد. معذک در داورها مداخله وکیل الزامی نیست و طرفین می‌توانند دعوا را رأساً یا با معرفی نماینده مطرح کنند و پیش ببرند. هرچند گاه در مورد هزینه‌هایی که سازمانهای داوران (مانند اتاق بازرگانی) دریافت می‌کنند، انتقاداتی می‌شود اما حل و فصل دعاوی تجاری بین‌المللی از طریق داوران، بویژه در مواردی که متضمن مبالغ هنگفتی می‌باشند، روی هم رفته ارزان و کم‌هزینه‌تر است.

باری، امتیازاتی که برای اسلوب داوران به عنوان یک شیوه حقوقی برای حل و فصل اختلافات و دعاوی برشمردیم، نسبت

به داوري به‌طورکلي، اعم از داوري داخلي يا بين‌المللي، صادق است و نظام داوري اتقاق هم، به عنوان داور داوري بين‌المللي از همين امتيازات برخوردار است.

### **د - عناصر نظام داوري اتقاق**

نظام داوري اتقاق بازرگاني بين‌المللي متشکل از دو عنصر اساسي است: يکي قواعد داوري اتقاق، دوم سازمان داوري آن که نقش مهمي در رعايت اين قواعد و نظارت بر حسن انجام داوري‌هايي که به قواعد اتقاق ارجاع مي‌شود ايفاء مي‌کند. دو عنصر نظام داوري اتقاق را بيشتر توضيح مي‌دهيم.

#### **(۱) قواعد داوري اتقاق**

قواعد داوري اتقاق، مجموعه مقرراتي است که در واقع آيين دادرسي در داوري است و نحوه رسيدگي به دعوا را مشخص نموده است. قواعد داوري اتقاق اول بار به سال ۱۹۲۳ و همزمان با تشکيل ديوان داوري آن تهيه شده و به تصويب شوراي جهاني اتقاق رسيده است. اما بعداً در

نظام داوري اتقاق بازرگاني بين‌المللي ❖ ۶۵

پرتو تجاربی که در عمل به دست آمد چندبار مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفته و پس از اصلاحاتی که در سال ۱۹۹۸ صورت گرفته، اکنون قواعد جامع و نسبتاً کاملی شده است. قواعد جدید داوری اتاق، ابتدا در هیأت رئیسه اتاق تصویب شده و سپس در جلسه شورای جهانی اتاق (۱ جلاس کنگره شانگهای، آوریل ۱۹۹۷) تصویب گردیده و بالاخره از اول سال ۱۹۹۸ لازم الاجرا شده است.

قواعد داوری اتاق، جریان داوری را از زمان شروع تا پایان رسیدگی و صدور رأی می‌پوشاند. مهم‌ترین مشخصه قواعد داوری اتاق آن است که بیشترین آزادی عمل و انتخاب را برای طرفین و داوران منتخب ایشان در طول جریان داوری قائل شده و از انعطاف زیادی برخوردار است. این قواعد، وظایف و اختیارات خاصی برای سازمان داوری اتاق بویژه دیوان داوری اتاق مقرر نموده، با این هدف که بتواند نظارت مستمر و مؤثری بر جریان داوری اعمال نماید و از بروز تأخیر در رسیدگی جلوگیری نماید و مشکلات و بن‌بست‌هایی را که احیاناً در جریان داوری حادث می‌شود،

حل کند و مرتفع نماید.

چنانکه گفتیم، قواعد داوری اتاق اول بار همزمان با تأسیس نظام داوری آن تهیه و تدوین شده و تا بحال چند مرتبه اصلاح و تجدید نظر شده که آخرین نوبت در سال ۱۹۹۸ بوده است. مهم‌ترین هدف اصلاحات اخیر در قواعد داوری اتاق، یکی تأمین سرعت جریان داوری و حذف عوامل تأخیر و دوم، شفافتر کردن سیستم داوری اتاق و رفع ابهامات قواعد قبلی و روان‌تر کردن جریان داوری، و سوم رفع کمبودهای قواعد قبلی بوده است، مانند تصریح به داوری‌های چندطرفه<sup>۲۲</sup> که تحت قواعد فعلی قابل انجام است (ماده ۱۰ قواعد)، یا امکان اصلاح و تفسیر رأی داوری ظرف ۳۰ روز پس از صدور (ماده ۲۹ قواعد)، یا شرط عدم مسؤلیت داوران و اعضای سازمان داوری اتاق (ماده ۳۴ قواعد) و امثال آنها.

مفاد قواعد داوری اتاق را در مطاوی بحث‌های قسمت سوم مطالعه خواهیم کرد.

## (۲) سازمان داوری اتاق

---

22. Multy – party arbitration.

عنصر دوم نظام داوري اتاق سازمان داوري آن است که تشکيلات ساده‌اي دارد. سازمان داوري اتاق دو رکن دارد: اول ديوان داوري، دوم دبیرخانه ديوان، که هرکدام وظائف و اختيارات خاصي دارند که حسب مورد در قواعد داوري یا در اساسنامه ديوان و نیز در قواعد داخلي ديوان مشخص شده است.<sup>۲۳</sup> رکن اصلي سازمان داوري اتاق، «ديوان بين‌المللي داوري» است که دبیرخانه را در کنار خود دارد. وظیفه اصلي سازمان داوري اتاق نظارت بر جریان داوري و اطمینان از اجراي درست قواعد داوري در هر پرونده است با این هدف اساسي که رأی صادره قابل اجرا باشد. سازمان داوري اتاق هیچ‌گونه مداخله حقيقي و قضايي در جریان داوري و رسيدگی به دعاوي ندارد و رأساً به دعاوي رسيدگی نمی‌کند، بلکه انجام داوري، اداره جریان داوري و رسيدگی به دعاوي و بالاخره تصميم‌گيري و صدور رأی در هر پرونده برعهده همان داور یا داوراني

---

۲۳. اساسنامه ديوان داوري اتاق و قواعد داخلي آن، ضميمه‌هاي شماره ۱ و شماره ۲ قواعد داوري اتاق است که متن انگليسي آنها را همراه با ترجمه فارسي در بخش اسناد بين‌المللي آورده‌ايم.

است که طرفین انتخاب و معرفی می‌کنند. کار دبیرخانه دیوان، چنان‌که در قسمت بعدی خواهد آمد، ارائه خدمات اداری و دفتری و پشتیبانی در دعاوی است که به داوری اتاق ارجاع می‌شود. در واقع دبیرخانه رابط بین دیوان و طرفین و داوران با یکدیگر است. چنان‌که خواهیم دید، به‌طور کلی، وظایف و اختیارات دیوان داوری اتاق بیشتر صبغه حقوقی دارد، اما وظایف و اختیارات دبیرخانه ماهیت اداری و خدماتی دارد، اما هیچکدام از آنها آزادی عمل طرفین یا تصمیم‌گیری‌های داوران را محدود نمی‌سازد. در واقع اختیاراتی که برای دیوان یا دبیرخانه پیش‌بینی شده که می‌توانند در بعض موارد تصمیماتی اتخاذ نمایند (مانند نصب داور به جای طرفی که از معرفی داور خود امتناع می‌ورزد و یا نصب رئیس هیأت داوری در صورتی که طرفین یا داوران ایشان نتوانند در این مورد به توافق برسند) برای تأمین رسیدگی صحیح و اجرای قواعد داوری است که طرفین قبلاً آن را پذیرفته‌اند و به آن ملزم شده‌اند. اکنون ببینیم وظایف و اختیارات هر یک از این

دو رکن (دیوان داوری - دبیرخانه) چیست.

### (۱-۲) دیوان داوری اتاق

دیوان داوری اتاق که نام رسمی و کامل آن «دیوان بین‌المللی داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی»<sup>۲۴</sup> است. مهم‌ترین رکن سازمان داوری اتاق است. سازمان و وظیفه این دیوان را ذیلاً بررسی می‌کنیم.

(۲-۱- الف) سازمان دیوان داوری اتاق: این دیوان متشکل از حقوق‌دانان برجسته کشورهای مختلف است که در مسائل حقوقی بین‌المللی بویژه در زمینه حقوق تجارت بین‌الملل و داوری بین‌المللی صاحب‌نظر می‌باشند. کمیته ملی اتاق در هر کشور می‌تواند از بین حقوق‌دانان واجد شرایط، یک نفر عضو اصلی و یک نفر عضو علی‌البدل را برای عضویت در دیوان کاندیدا و پیشنهاد کند. افرادی که به این ترتیب پیشنهاد می‌شوند در صورتی که اوصاف لازم را داشته باشند، توسط رئیس دیوان به شورای جهانی اتاق معرفی می‌شوند و در صورت تصویب شورا به مدت سه

---

24. International Court of Arbitration of ICC.



سال به عضویت دیوان درمی‌آیند و مادام که فرد دیگری به جای ایشان پیشنهاد نشود، عضویتشان تجدید می‌شود. در حال حاضر دیوان داوری ۵۶ نفر عضو اصلی از کشورهای مختلف دارد که اغلب آنها در جلسات عمومی دیوان که سالانه دو بار تشکیل می‌شود، شرکت می‌کنند.

مطابق ماده ۲ قواعد داخلی دیوان، خود دیوان اعضا را به عنوان داور یا وکیل در پرونده‌ها انتخاب نمی‌کند، اما اگر در پرونده‌های داوری اتاق طرفین یا یکی از ایشان اعضای دیوان را به عنوان داور یا مشاور یا وکیل انتخاب یا منصوب کنند، عضو مربوط باید به دیوان اطلاع دهد و از حضور در جلسات دیوان که چنین پرونده‌هایی در آن مطرح می‌شود، ممنوع است. به هر حال، مطابق همان ماده رئیس دیوان و اعضای دبیرخانه نمی‌توانند به عنوان داور یا وکیل در پرونده‌ها معرفی شوند و عمل کنند.

دیوان، دارای یک نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس می‌باشد که توسط شورای جهانی اتاق منصوب می‌شوند. دیوان داوری اتاق، یک ارگان (رکن) مستقل و خودگردان است و

**نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۷۱**

هیچ‌گونه وابستگی به اتاق بازرگانی بین‌المللی ندارد. اعضای دیوان هم با اینکه توسط کمیته ملی کشور متبوع خود معرفی می‌شوند، اما مستقل از آن کمیته می‌باشند و مکلفند محرمانه بودن اطلاعات و مدارک پرونده‌ها را که در دیوان مطرح می‌شود و به لحاظ سمت خود از آنها مطلع می‌شوند، حتی در برابر کمیته ملی کشور متبوعشان حفظ و رعایت کنند. (ماده ۱(۲) و ۱(۳) اساسنامه و دیوان و نیز ماده ۳ قواعد داخلی دیوان).

دیوان داوری اتاق، مطابق اساسنامه دیوان اداره می‌شود و دارای یک «قواعد داخلی» هم هست که ناظر به ساختار داخلی آن است. این دو سند، ضمیمه شماره ۱ و شماره ۲ قواعد دیوان است.

دیوان داوری، هر سال دو جلسه عمومی دارد که با حضور اعضا تشکیل می‌شود و علاوه بر رسیدگی به موضوعات مهم که در پرونده‌های داوری در گوشه و کنار دنیا مطرح شده، به مسائل عمومی و سیاستگذاری نیز می‌پردازد و آخرین اطلاعات و تحولات را که در داخل سازمان داوری اتاق یا در عرصه داوری بین‌المللی رخ داده، مبادله

می‌کند. علاوه بر این، دیوان همه ماهه یک جلسه کاری دارد که معمولاً در هفته آخر هر ماه تشکیل می‌شود و به امور جاری رسیدگی می‌کند. اما برای تسریع و حسن انجام وظایف و کارهایی که برعهده دیوان است و برای تصمیم‌گیری در دهها موضوع کوچک و بزرگ در انواع پرونده‌ها و داوریهایی که تحت قواعد داوریه اتفاق در گوشه و کنار جهان در جریان است و خصوصاً با توجه به حجم زیاد دعاوی (هر ماه، دهها و هر سال قریب پانصد فقره دعاوی جدید به داوریه اتفاق ارجاع می‌شود)؛ دیوان داوریه مطابق مواد ۴ و ۵ اساسنامه و نیز ماده ۴ قواعد داخلی خود، مبادرت به تشکیل «کمیته دیوان»<sup>۲۰</sup> کرده است که مرکب از رئیس دیوان و دو نفر از اعضا است و هر ماه سه بار تشکیل جلسه می‌دهد و کارهای روزمره دیوان را انجام می‌دهد. البته موضوعات مهمی مانند جرح داور، تعویض داور به علت قصور در انجام وظیفه و نیز بررسی و تأیید رأی داوریه به کمیته ارجاع نمی‌شود و خود دیوان رسیدگی و تصمیم‌گیری می‌کند. به هر حال،

---

25. Committee of the Court.

تصمیم‌گیری در کمیته دیوان باید به اتفاق آراء باشد و اگر حاصل نشود، باید موضوع را به اولین جلسه دیوان ارجاع کند.

(۲-۱-ب) ساختار نظارت دیوان داور  
اتفاق: گفتیم کار اصلی دیوان، عبارت است از نظارت مؤثر بر داورهایی که مطابق قواعد اتفاق به داور ارجاع شده است. این نظارت از زمان تسلیم درخواست داور به دبیرخانه آغاز و با صدور رأی پایان می‌پذیرد. هدف از اعمال نظارت و کنترل جریان داور توسط دیوان داور، عبارت است از اطمینان از اجرای صحیح قواعد داور و رعایت آن در طول رسیدگی، با این نیت اصلی که رأی صادره حتی‌المقدور اشکالات و ایرادات شکلی نداشته باشد و در مرحله اجرا با مشکلی مواجه نشود یا لاقلاً کمتر با مشکل مواجه شود.<sup>۲۶</sup>

نظارت ساختاری و مستقیم دیوان داور در هر پرونده در دو مقطع مهم

---

۲۶. ماده ۳۵ قواعد داور در این زمینه می‌گوید دیوان داور اتفاق و مرجع داور مربوط (داور یا داوران در هر پرونده) کلیه مساعی لازم را برای این‌که رأی داور قانوناً قابل اجرا باشد، انجام می‌دهند.

انجام می‌شود: اول، در شروع داوری که مسئله وجود و اعتبار موافقتنامه داوری مطرح می‌شود، دوم در پایان رسیدگی که رأی داوری صادر می‌شود. البته، تمام جریان رسیدگی و انجام داوری نیز همچنان تحت نظارت مستمر دیوان داوری می‌باشد که تفصیل آن را در قسمت سوم این مقاله خواهیم دید، اما نظارتی که دیوان در آستانه و در پایانه هر داوری به طور خاص اعمال می‌نماید، نهایت اهمیت را دارد، زیرا اولاً به صورت مستقیم است و ثانیاً مشروعیت و اعتبار حقوقی مرجع داوری مربوط و مشروعیت رأی و تصمیمات آن را تضمین می‌نماید.

مقطع اول که دیوان اعمال نظارت می‌کند در آستانه شروع داوری است و ناظر به احراز موافقتنامه داوری است. گفتیم، داوری مبتنی بر توافق و تراضی است و کسی را نمی‌توان به داوری اجبار کرد. موافقتنامه داوری اساس مشروعیت داوری و مبنای صلاحیت مرجع داوری است، از این رو مادام که طرفین موافقت نکرده باشند به داوری رجوع نمایند، داوری هم در کار نیست. جریان داوری با درخواست داوری از

جانب خواهان شروع می‌شود که باید آن را به دبیرخانه دیوان تسلیم نماید. اما ممکن است در همین آستانه داور، اساس و مبنای صلاحیت و مشروعیت داور، یعنی موافقتنامه داور با رد و انکار طرف مقابل (خواننده) مواجه شود و مثلاً مدعی شود که اساساً قرارداد داور وجود ندارد، یا ناظر به داور، اتاق نیست، یا آنچه به عنوان موافقتنامه داور مطرح شده، معتبر نیست و صحیحاً منعقد نشده، یا از اصل باطل بوده، یا بعداً فسخ شده، یا متن آن مبهم است و حکایت از مراجعه به قواعد داور، اتاق بازرگانی بین‌المللی نمی‌کند، و از این قبیل ایرادات. قبل از این‌که جریان داور گامی به پیش رود، باید تکلیف این ایرادها در آستانه داور معلوم شود. اما رسیدگی و تصمیم‌گیری در این زمینه آسان نیست و گاه مستلزم مباحث مفصل و تبادل لوایح و حتی لمس ماهیت است. از طرفی با وجود چنین ایراداتی که مشروعیت و اختیار مرجع داور و صلاحیت او را انکار می‌کند، اساساً تشکیل مرجع داور ممکن نیست تا بخواهد به ایرادات صلاحیتی

رسیدگی نماید.

قواعد داوری اتاق، این مشکل را از طریق دیوان داوری حل کرده است. مطابق ماده ۶ (۲) قواعد مذکور در صورتی که پس از تسلیم درخواست داوری نسبت به وجود موافقتنامه داوری یا اعتبار آن ایراد شود، دیوان داوری اتاق به موضوع رسیدگی می‌کند و اگر علی‌الظاهر (prima facie) متقاعد شود که موافقتنامه داوری برای ارجاع موضوع به داوری اتاق وجود دارد، کافی است که جریان داوری ادامه یابد. اما چون این تصمیم دیوان داوری درباره وجود موافقتنامه داوری صرفاً بر اساس ظاهر اسناد و مدارک صورت گرفته، و تصمیم ماهوی نیست و خاصیت امر مختومه ندارد، لذا ایرادکننده حق دارد ایراد خود را نزد داور یا داوران همچنان پیگیری کند و از مرجع داوری بخواهد که قبل از ورود به ماهیت، ابتدا به مسئله صلاحیت رسیدگی نماید. مرجع داوری هم مأخوذ به تصمیم و اعلام نظر دیوان داوری نیست و چه بسا پس از رسیدگی‌های بیشتر و مفصل‌تر به این نتیجه برسد که موافقتنامه‌ای برای مراجعه به «داوری

نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۷۷

اتاق بازرگانی بین‌المللی» به واقع وجود ندارد یا معتبر نیست و در نتیجه صلاحیت رسیدگی ندارد.

اما در صورتی‌که دیوان داوری متقاعد نشود که علی‌الظاهر موافقتنامه داوری اتاق وجود دارد، به طرفین اعلام می‌کند که داوری قابل ادامه نیست که در این صورت نیز چون تصمیم دیوان ماهوی نیست، طرف دیگر (خواهان) که مدعی و معتقد است موافقتنامه داوری واقعاً وجود دارد و معتبر است، می‌تواند به دادگاه صالح مراجعه و ادعای خود را پیگیری نماید.

مقطع دوم که دیوان نظارت مؤثر خود را اعمال می‌کند، در پایانه جریان داوری است که مرجع داوری مربوط به مرحله تصمیم‌گیری و صدور رأی رسیده است. به موجب ماده ۲۷ قواعد دیوان، داور یا داوران مکلفند قبل از امضای رأی، پیشنویس آن را جهت بررسی و مذاکره<sup>۲۷</sup> و نهایتاً تصویب به دیوان داوری تسلیم

---

۲۷. عنوان ماده ۲۷ قواعد دیوان چنین است: "Scrutiny of the Award by the Court" و در پایان ماده مذکور آمده است: «مادام‌که دیوان داوری، رأی را از نظر شکلی تأیید نکرده، مرجع داوری نمی‌تواند اصدار رأی کند». که آشکارا مفهوم تأیید و تصویب شکلی رأی توسط دیوان داوری از آن برمی‌آید.



کنند، و در صورتی که دیوان آن را از نظر شکلی تصویب و تأیید کرد، می‌توانند آن را امضا و صادر نمایند. دیوان داور، هنگام بررسی و کنترل رأی، ممکن است به دو نوع ایراد یا اشکال برخورد کند: ایرادات شکلی و ایرادات ماهوی. مطابق ماده ۲۷ مذکور، دیوان داور می‌تواند رأی را از نظر شکلی - یعنی از حیث قواعد داور، اتاق و مقررات رسیدگی - اصلاح کند و مرجع داور هم مکلف است از نظر دیوان تبعیت کند و ایرادات شکلی را که دیوان مشخص می‌کند، مرتفع سازد. اما در مورد ایرادات ماهوی رأی، دیوان فقط می‌تواند آنها را به داور یا داوران یادآوری کند و حق ندارد در تشخیص حقوقی و قضایی ایشان دخالت کند. نوعاً تذکرات دیوان در موضوعات ماهوی نیز مورد توجه مرجع داور قرار می‌گیرد اما داور یا داوران تکلیفی به رعایت آن ندارد.

هرچند این سیستم نظارت در رأی صادره، چنان‌که پیدا است، از نوع رسیدگی استینافی نیست اما باعث اعتبار بیشتر آراء داور می‌شود، زیرا ضمن این‌که دیوان داور در آزادی تصمیم‌گیری و

تشخیص قضایای داوران مداخله‌ای نمی‌کند، با کنترل و برطرف کردن اشکالات شکلی رأی و نیز تذکر ایرادات احتمالی آن از حیث ماهوی ضریب اجرای آن را بالا می‌برد و از این‌که رأی صادره در مرحله اجرا از طریق دادگاههای داخلی با مشکل عدم شناسایی یا عدم اجرا مواجه شود، تا حدود زیادی جلوگیری می‌نماید و اطمینان بیشتری نسبت به صحت و اعتبار آراء داوران اتقاق بازرگانی بین‌المللی فراهم می‌کند. در همین زمینه لازم به یادآوری است که طبق ماده ۶ قواعد داخلی خود، دیوان مکلف است هنگام بررسی رأی طبق ماده ۲۷ قواعد، الزامات ناشی از قانون کشور محل داوران را ملحوظ دارد.

چنانکه اشاره شد، نظارت دیوان در طول جریان داوران هم اعمال می‌شود تا مطمئن شود که هم قواعد داوران به درستی رعایت می‌شود و هم سرعت رسیدگی تأمین گردد و از تأخیر و تعطیل رسیدگی جلوگیری شود. موارد نظارت و مداخله دیوان در طول جریان داوران عبارتند از:

– نصب داور یا داوران، در صورتی‌که طرفین به توافق نرسند یا یکی از آنها

از معرفی داور خود امتناع ورزد (مواد ۸ - ۹ - ۱۰ قواعد).

— تعیین محل داوری، در صورتی که طرفین در این مورد توافقی نکرده باشند (ماده ۱۴ قواعد).

— رسیدگی به جرح داور به علت فقدان اوصاف لازم، یا درخواست تعویض او به علت سوء عملکرد یا ناتوانی (مواد ۱۱ - ۱۲ قواعد).

— تعیین مواعد یا تمديد آنها، در موارد لزوم.

— بررسی و کنترل مفاد «قرارنامه داوری» که شرح وظایف داوران را تعیین می‌کند (ماده ۱۸ قواعد).

— تعیین هزینه‌های داوری که شامل هزینه‌های اداری و حق‌الزحمه داوران است (ماده ۳۰ قواعد).

تفصیل و توضیح این موارد را در مباحث مربوط به جریان داوری در قسمت بعدی خواهیم دید.

## **(۲-۲) دبیرخانه**

دومین رکن سازمان داوری اتاق، دبیرخانه دیوان داوری است که در واقع

**نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۸۱**

اداري ديوان است و تصميمات آن را اجرا مي‌کند. کار مهم دبیرخانه، ایجاد ارتباط بين اصحاب دعوا و داوران و نیز ديوان داوري اتاق و حفظ تماس مستقيم و مستمر با ايشان است. علاوه بر اين، فراهم کردن تسهيلات و مقدمات تشکيل پرونده و شروع داوري، و سپس نظارت بر تبادل لوايح و مکاتبات در جريان داوري، و نیز وصول هزينه‌هاي داوري اتاق از جمله وظايف دبیرخانه است. به طورکلي دريافت درخواست داوري، ابلاغ به خوانده، دريافت جواب خوانده و ابلاغ به خواهان، کنترل و رعايت مواعد که در قواعد داوري آمده يا طرفين توافق مي‌کنند، رسيدگي به اعتراضات در جريان داوري و اقدام مناسب يا گزارش به ديوان داوري، ابلاغ تصميمات ديوان، ارتباط با طرفين و داوران و پاسخ به سؤالات آنها و بالاخره نگهداري آرشييو و ساير خدمات اداري برعهده دبیرخانه ديوان است.

در قواعد جديد داوري، براي تسهيل و تسريع بيشتري در رسيدگي داوري، در چند مورد به دبیرخانه اختياراتي داده شده که بتواند رأساً عمل نمايد بدون اينکه

محتاج تصميم گيري ديوان باشد. ۲۸

ساختار دبیرخانه اتاق يك ساختار بين المللي است و همواره سعی می شود اعضاي آن از حقوقدانان کشورهای مختلف و از نظامهاي حقوقي گوناگون انتخاب و منصوب شوند. دبیرخانه داراي تعدادي مشاور حقوقي از کشورهای مختلف است که هريك از آنها مسؤول تعدادي از پرونده هاي داوري است. اين مشاورين حقوقي نیز دستياراني دارند. دبیرخانه زیر نظر دبیرکل عمل می کند.

نکته پایانی که درباره سازمان داوري اتاق باید یادآوری کنیم این است که گرچه محل ديوان داوري و دبیرخانه آن

---

۲۸. مثلاً مطابق ماده ۹ (۲) قواعد، دبیرکل می تواند پس از معرفی داور یا داوران توسط طرفین و در صورتی که داور مربوط اعلامیه مبني بر مستقل بودن خود را به صورت بدون قيد و شرط صادر کند یا اگر مشروط باشد، مورد اعتراض طرفین قرار نگرفته باشد، داور را تأیید و نصب نماید، درحالی که در قواعد قبلي تأیید و انتصاب داوران در همه حالاتها با ديوان داوري بود. یا مطابق ماده ۱۳ قواعد، دبیرخانه پیش پرداخت موقت هزینه هاي داوري را برای مرحله مقدماتي رسیدگی تا مقطع تهیه قرارنامه داوري تعیین می کند و همین که این هزینه را دریافت کرد، پرونده را به داور یا داوران تسلیم می نماید تا وارد مرحله تهیه قرارنامه داوري شود، درحالی که در مقررات قبلي تعیین کل هزینه ها تا پایان داوري با ديوان داوري بود و مادام که نیمی از آن وصول نمی شد پرونده به هیأت داوري تسلیم نمی شد.

نظام داوري اتاق بازرگاني بين المللي ❖ ۸۳

در پاریس - یعنی در مقر اتاق - است، اما یک سازمان فرانسوی محسوب نمی‌شود و اصطکاک با قوانین فرانسه ندارد. با این همه در مواردی که دیوان داوران تصمیم‌گیری حقوقی می‌کند، مراقب است که برخلاف مقررات و قوانین آمره فرانسه عمل نکند، و تلاش می‌کند ویژگی بین‌المللی آن محفوظ باشد و به یک مؤسسه فرانسوی تبدیل نشود.

#### ه - ویژگی‌های کارکردی - حقوقی نظام داوران اتاق

اکنون که با زمینه‌های تشکیل نظام داوران اتاق آشنا شدیم، امتیازات اسلوب داوران را شناختیم و دیدیم که قاضی طبیعی برای حل اختلافات تجاری بین‌المللی داوران است، و عناصر ساختاری نظام داوران اتاق را نیز توضیح دادیم بهتر می‌توانیم ویژگی‌های حقوقی نظام داوران اتاق را بشناسیم. پیش از این در طلایه سخن به پاره‌ای ویژگی‌های سازمانی داوران اتاق اشاره کردیم و وعده دادیم ویژگی‌های کارکردی و حقوقی آن را بعداً بحث خواهیم

کرد. اکنون نوبت آن در رسیده است. ساختار نظام داوری اتاق بویژه کارکرد و وظایف دو عنصر تشکیل‌دهنده آن یعنی قواعد داوری و سازمان داوری آن، ویژگی‌های کارکردی و حقوقی خاصی به آن بخشیده است. این ویژگی‌ها عبارتند از:

### (۱) سازمانی بودن داوری اتاق

#### (۱-۱) داوری موردی - داوری سازمانی

به طور کلی، داوری مبتنی بر توافق و قرارداد است که به موجب آن طرفین تراضی و تعهد می‌کنند که برای حل اختلاف به جای دادگستری، به داوری مراجعه نمایند. اما برای اینکه داوری انجام گردد، لامحاله محتاج قواعد و مقررات رسیدگی (آیین داوری) است که جریان داوری را از نظر شکلی سامان دهد و داوری در چارچوب آن شروع شود و انجام پذیرد. داوری را از حیث شکل انجام، به دو نوع تقسیم کرده‌اند: داوری موردی یا خاص<sup>۲۹</sup> و داوری سازمانی یا نهادی.<sup>۳۰</sup> منظور از داوری موردی آن است که جریان داوری و تشریفات

---

29. ad hoc.

30. institutional.

رسیدگی از ابتدا تا انتها، شامل نحوه شروع داور، انتخاب داور یا داوران و تشکیل مرجع داور، تبادل لوایح، انجام مکاتبات و ابلاغ‌ها، برگزاري جلسه استماع، استماع شهود و کارشناس، رسیدگی به جرح داور، و بالاخره صدور رأی و ابلاغ آن، همه و همه توسط خود طرفین دعوا و داوران ساماندهی و انجام شود. به عبارت دیگر، هدایت و مدیریت جریان رسیدگی مستقیماً و رأساً برعهده طرفین و داوران است که مطابق مقررات و قواعد داور که برای همان مورد خاص تهیه و تدوین شده، برگزار می‌شود. بدیهی است پس از انجام داور و صدور رأی، آن قواعد و مقررات که خاص همان مورد بوده طبعاً موضوعیت خود را از دست می‌دهد. در داورهای موردی چنانچه در جریان رسیدگی مشکلاتی رخ دهد، مانند این‌که یکی از طرفین داور خود را معرفی نکند، یا داور را جرح نماید، یا درباره بعض مسائل شکلی مانند تعیین محل داور توافقی بین ایشان حاصل نشود، لامحاله باید به دادگاه صالح مراجعه شود، زیرا هیچ سازمان و تشکیلات مورد قبول طرفین وجود ندارد که بتواند



در این قبیل موارد تصمیم بگیرد و مشکل را حل نماید. به همین لحاظ داوری‌های موردی در معرض انواع تأخیرها و بی‌نظمی‌ها است.<sup>۳۱</sup>

و اما داوری سازمانی، همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، داوری‌یی است که با کمک و تحت نظارت یک سازمان یا موسسه داوری انجام می‌شود. این سازمان داوری، قواعد داوری و آیین رسیدگی را از قبل تهیه نموده که در همه داوری‌هایی که به آن ارجاع می‌شود، اعمال می‌گردد. در داوری‌های سازمانی، جریان داوری مطابق قواعد داوری سازمان داوری مربوط انجام

---

۳۱. تهیه و تدوین قواعد داوری و مقررات رسیدگی برای هر مورد داوری، کار مهم، حساس و در عین‌حال وقت‌گیری است. نوشتن قواعد داوری یک کار تخصصی و فنی است که باید به حقوقدانان و اهل فن سپرده شود و از عهده اصحاب دعوا که تجار یا بازرگانان هستند برنمی‌آید. به همین لحاظ و برای تسهیل کار بوده که آنسیترال (کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل — UNCITRAL) در سال ۱۹۷۶ مبادرت به تهیه یک سلسله قواعد داوری کرده که در داوری‌های موردی استفاده شود و طرفین یا داوران می‌توانند قواعد مذکور را برای انجام داوری موردی برگزینند یا اگر لازم می‌دانند متناسب با وضع دعوا و داوری، اصلاحات و تغییرات لازم را در آن اعمال نمایند. دیوان داوری ایران — ایالات متحده از قواعد داوری آنسیترال استفاده می‌کند (برای ملاحظه متن قواعد داوری آنسیترال، رک. دکتر محسن محبی، «بیانیه‌های الجزایر و دیوان داوری»، انتشارات خط سوم، ۱۳۷۸).

**نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۸۷**

می‌شود و برای برگزاري داوري کمتر نيازي به عناصر و عوامل بيروني است زیرا سازمان داوري مربوط به صورت يك نظام خودکفا و خودگردان عمل می‌کند و از اين رو چنانچه در جريان کار مشکلي پيش آيد، سازمان داوري ذيربط براساس اختيارات و وظايفي که در قواعد براي او پيش‌بینی شده، آن را مرتفع می‌سازد. به اين ترتيب، هرچند هم در داوري موردی و هم در داوري سازمانی، اساس کار عبارت است از موافقتنامه اولیه داوري، اما امتياز داوري سازمانی در اين است که اولاً قواعد داوري و آيين رسيدگی آن از قبل معلوم است و ثانياً يك مرجع سازمانی هم وجود دارد که بر حسن انجام داوري و رعايت قواعد نظارت می‌کند و مشکلات حين داوري را در داخل سيستم سازمانی داوري حل می‌کند و در نتيجه جريان داوري با اطمینان و انضباط بیشتری انجام می‌شود.

نکته‌اي که نبايد فراموش کرد آن است که در هر دو نوع داوري، کار داوري و رسيدگی به دعاوي و صدور رأي توسط خود داور يا داوران منصوب طرفين انجام می‌شود. به عبارت ديگر، در داوري‌هاي

سازماني، سازمان داوري ذي ربط هيچگونه دخالتي در آزادي عمل طرفين و نيز در تشخيص قضايي و ماهوي داوران ندارد، بلکه چنان که گفتيم، مداخله هاي احتمالي که براي رفع موانع و بنبستها در جريان داوري انجام مي دهد، بيشتر جنبه اداري دارد تا قضايي.

با توجه به توضيحاتي که داديم، واضح است که داوري اتاق بازرگاني بين المللي از نوع داوري هاي سازمان است. زيرا همان طور که قبلاً اشاره شد، نظام داوري اتاق هم قواعد داوري دارد و هم سازمان داوري که از ابتدائي داوري (تسليم درخواست داوري) تا مرحله صدور حکم، بر حسن جريان داوري نظارت مي کند و خدمات و تسهيلات لازم را در اختيار طرفين قرار مي دهد و به صورت يك نظام خودگردان و خودکفا عمل مي کند که تفصيل آن را در قسمت سوم خواهيم ديد.

امروزه علاوه بر سازمان داوري اتاق، مؤسسات داوري ديگري هم در سطح بين المللي وجود دارد اما داوري اتاق بازرگاني بين المللي همچنان شاخص و پيشرو است که به برخي علل آن در مباحث

قبلي اشاره كرديم. در اينجا بد نيست ابتدا بعضي از اين سازمانهاي داوري را اجمالاً معرفي كنيم، و سپس عوامل مطلوبيت سازمان داوري كدام است.

### (۲-۱) مؤسسات داوري تجاري بين المللي

امروزه در سطح بين المللي سازمانهاي داوري گوناگوني وجود دارند كه همانند نظام داوري اتاق هم قواعد داوري دارند و هم تشكيلات سازماني براي نظارت بر داوري. از جمله نهادها و سازمانهاي داوري بين المللي مشهورتر مي توان از «انجمن داوري امريكا»،<sup>۳۲</sup> «مؤسسه داوري اتاق بازرگاني استكهلم» (سوئد)<sup>۳۳</sup> و بالاخره از «دادگاه داوري لندن»<sup>۳۴</sup> نام برد.

انجمن داوري امريكا در سال ۱۹۲۶ تأسيس شده است و هرچند يك سازمان داوري بين المللي است اما اغلب دعاوي كه به قواعد آن ارجاع شده، جنبه داخلي (امريكايي) داشته است. مؤسسه داوري استكهلم به صورت يك مؤسسه داوري داخلي

32. American Association of Arbitration (AAA).

33. Arbitration Institute of Ostokholum Chamber of Commerce.

34. Court of Arbitration of London.

و در چارچوب اتاق بازرگانی استکهلم تشکیل شده و سابقه آن به سال ۱۹۱۷ برمی‌گردد. قواعد داوری این سازمان در سال ۱۹۶۷ مورد تجدیدنظر قرار گرفت با این هدف که بتواند در داوریهایی بین‌المللی نیز مورد استفاده و اجرا قرار گیرد. همزمان با این تجدیدنظر، قانون داوری سوئد که مربوط به سال ۱۹۲۹ بود نیز مورد اصلاح قرار گرفت تا هماهنگی و همخوانی بیشتری با مقررات داوری مذکور داشته باشد و حمایت‌های قانونی و تسهیلات بیشتری برای داوریهایی که تحت قواعد داوری استکهلم انجام می‌شود، فراهم کند. مهم‌ترین نکته‌ای که در تاریخچه این مؤسسه داوری وجود دارد آن است که به سال ۱۹۷۷ انجمن داوری آمریکا موافقتنامه‌ای با اتاق بازرگانی و صنایع شوروی سابق امضا کرد و در آن به بازرگانان آمریکایی توصیه شد که برای حل و فصل اختلافات و دعاوی تجاری که با طرف‌های روسی پیدا می‌کنند، به مؤسسه داوری استکهلم مراجعه نمایند، و از مقررات داوری آنسیتراال ۱۹۷۶ برای حل و فصل آنها استفاده کنند.

نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۹۱

لندن به طور سنتی محل داوریهایی تجاری بویژه برای حل و فصل اختلافات ناشی از قراردادهای حمل و نقل و بیمه بوده است. اما به خاطر مقررات نسبتاً محدودکننده‌ای که از حیث مداخله محاکم داخلی انگلیس در جریان داوریه‌ها وجود داشت، همواره مشکلاتی ایجاد می‌شد که منشأ آن در قانون داوریه مصوب ۱۹۵۰ بود. این قانون در سال ۱۹۷۹ اصلاح شده و موانع را از سر راه برداشته است و بویژه مورد اعتراض و استینافخواهی نسبت به رأی داوریه در محاکم انگلیس را محدود کرده است. این قانون یک بار هم در سال ۱۹۸۱ اصلاح شده و بالاخره در سال ۱۹۹۷ قواعد جدید داوریه بین‌المللی که مورد قبول دادگاه داوریه لندن قرار گرفته تصویب شده و اجرا می‌شود، تسهیلات بیشتری را فراهم می‌نماید. دادگاه داوریه لندن تحت نظر مشترک شهرداری مرکز پولی-مالی لندن،<sup>۳۵</sup> اتاق بازرگانی و نیز «انجمن داوران خبره»<sup>۳۶</sup> اداره می‌شود.

#### (۳-۱) عوامل مطلوبیت سازمان داوریه

---

35. City of London.

36. Association of Chartered Arbitrators.

به طورکلی برای ارزیابی جاذبه‌ها و مطلوبیت هر سازمان داوری می‌توان سه عامل را ملحوظ نمود: اول، کارایی، کفایت و انعطاف قواعد داوری سازمان مربوط به نحوی که در عین رعایت آزادی اراده طرفین، و نیز تأمین سرعت در رسیدگی، مبتنی بر اصول و موازین دادرسی صحیح و عادلانه نیز باشد. دوم، قابل پیش‌بینی بودن نتیجه داوری. هرچه قواعد داوری سازمان مربوط دقیق‌تر و برای مشکلات و بن‌بست‌هایی که در جریان داوری پیش می‌آید راه‌حلهای روشن و مناسب پیش‌بینی کرده باشد، طرفین راحت‌تر می‌توانند تصویر دقیق‌تری از جریان داوری تحت قواعد مذکور بدست آورند و بهتر می‌توانند پیش‌بینی کنند که در صورت مراجعه به قواعد مذکور نتیجه کار چه خواهد شد. شک نیست که هرچه ضریب قابل پیش‌بینی بودن بالا رود، اعتماد و اطمینان بیشتری برای مراجعه به داوری بدست می‌آید. سوم، گران نبودن خدمات سازمان داوری مربوط. به طورکلی، سازمانهای داوری در ازای خدمات و تسهیلاتی که برای طرفین فراهم می‌کنند،

هزینه‌هایی دریافت می‌کنند. پیش از این در بحث از امتیازات داوری گفتیم، کم‌هزینه بودن داوری از جمله امتیازات و جاذبه‌های آن است. اگر قرار شود سازمان‌های داوری هزینه‌های گزاف دریافت کنند، اساس یکی از امتیازات داوری مخدوش خواهد شد. بنابراین متعارف و معقول بودن هزینه‌هایی که سازمان داوری مربوط دریافت می‌کند نیز یکی دیگر از عوامل مطلوبیت آن است.

نظام سازمانی داوری اتاق، این سه امتیاز را دارد: هم قواعد کافی و کارآمد دارد که مراحل مختلف جریان رسیدگی را دربرمی‌گیرد و صحت رسیدگی و سرعت کافی را برای انجام داوری تأمین می‌کند؛ هم به علت تجربه فراوانی که در طول سالها بدست آورده، قواعد داوری نسبتاً کامل و جامعی دارد که روند داوری را تا حد زیادی قابل پیش‌بینی می‌سازد؛ و بالاخره هزینه داوری اتاق هم در مقایسه با هزینه‌های قضایی محاکم، بویژه در دعاوی کلان، هنوز مناسبتر است هرچند گاه از گران بودن داوری اتاق انتقاداتی می‌شود.



## (۲) جهانی بودن

ویژگی دوم نظام داوری اتاق از حیث کارکردی - حقوقی، جهانی بودن آن است. نظام داوری اتاق، یک نظام عام‌الشمول و جهانی است، به این معنی که نظام داوری اتاق طوری طراحی شده که بدون هیچ محدودیت ملی یا منطقه‌ای یا محدودیت موضوعی قابل استفاده و اعمال است. بعضی مراکز و سازمانهای داوری وجود دارند که مخصوص دعاوی داخلی کشور محل تشکیل می‌باشند، یا احیاناً در منطقه خاصی قابل استفاده‌اند. بعضی مؤسسات و مراکز داوری نیز هستند که به نوع خاصی از دعاوی رسیدگی می‌کنند، مانند مرکز داوری اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری (ایکسید).<sup>۳۷</sup> اما قواعد داوری اتاق در کلیه دعاوی تجاری، صرفنظر از اینکه موضوع و نوع قرارداد منشأ اختلافات چه باشد، و نیز صرفنظر از اینکه موضوع و

---

37. International Centre for the Settlement of Investment Disputes (ICSID).

این مرکز داوری بر اساس کنوانسیون واشنگتن ۱۹۶۵ در مورد حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری بین دولتها و اتباع سایر دول تشکیل شده است. برای ملاحظه متن کنوانسیون، رک. مجله حقوقی، شماره ششم، تابستان و پاییز ۱۳۶۵.

ماهیت حقوقی دعوا چه باشد، در همه نقاط جهان قابل اجرا و استفاده است. تنها قیدی که برای استفاده از قواعد داوری اتاق دارد این است که اختلاف یا دعوی مربوط واجد وصف تجاری و بازرگانی باشد. از نظر جغرافیایی نیز گرچه قواعد داوری اتاق اصولاً برای دعاوی بین‌المللی نوشته شده، اما به موجب ماده ۱(۱) قواعد مذکور در دعاوی تجاری داخلی هم به شرط توافق طرفین دعوا قابل استفاده است. به لحاظ همین ویژگی است که قواعد داوری اتاق بدون محدودیت برای هرگونه دعوی تجاری از هر نوع که باشد، و نیز در هر نقطه‌ای از جهان که محل داوری باشد، قابل استفاده و اجرا است.

چنان‌که قبلاً اشاره کردیم، سازمان داوری اتاق هم با این‌که در پاریس (فرانسه) مستقر است از حیث ساختار و عملکرد وابستگی به کشور فرانسه ندارد و یک تشکیلات بین‌المللی است. اعضای دیوان داوری و نیز دبیرخانه آن که قریب ۴۰ نفر عضو دارد، از حقوقدانان و اشخاص متعلق به کشورهای مختلف و با نظامهای حقوقی گوناگون می‌باشند. مسؤولان و

تصمیم‌گیرندگان اتاق توجه و اصرار دارند که این ترکیب بین‌المللی و جنبه جهانی بودن ساختار دیوان و دبیرخانه آن حفظ شود. به هر حال، ویژگی عام‌الشمول و جهانی بودن اتاق از جمله علل مهم اقتدار حرفه‌ای و اعتبار بین‌المللی آن است که همین اعتبار به آراء داوری صادره تحت قواعد اتاق نیز تسری می‌کند و نهایتاً اجرای آنها را تسهیل می‌کند.

### **(۳) بیطرفی و تساوی قواعد نسبت به**

#### **طرفین**

در نظر قواعد داوری اتاق، اصحاب دعوا مساوی هستند و قواعد نسبت به طرفین بیطرف است، به طوری که با اجرای قواعد مذکور هیچ‌یک از خواهان یا خوانده وضعیت ممتاز و بهتری نسبت به طرف دیگر پیدا نمی‌کند. نمونه‌هایی از اجرای بیطرفانه و مساوی قواعد نسبت به طرفین را در چند مورد خاص بهتر می‌توان مشاهده کرد: از حیث نصب داور برای طرف ممتنع، تعیین محل داوری، تعیین ز بان داوری، تعیین آیین داوری (در مواردی که قواعد ساکت باشد) و نیز تعیین قانون ماهوی

حاکم (در مواردی که طرفین قانون خاصی را تعیین نکرده‌اند)، از حیث معرفی نماینده حقوقی یا وکیل در دعوا، و از حیث مشخصات و تابعیت داوران منتخب طرفین که می‌توانند هرکس را که مایل باشند و از هر کشوری به عنوان داور خود معرفی نمایند، و بالاخره از حیث انتخاب و نصب داور رئیس توسط دیوان دآوری که کسی را منصوب می‌کند که تابعیت کشور هیچ‌یک از طرفین را نداشته باشد. در کلیه این قبیل موارد، که قواعد دآوری حکمی را پیش‌بینی کرده هیچ‌یک از طرفین امتیاز خاصی ندارند و به هر دو به یک چشم می‌نگرد. توضیح و تفصیل همه این موارد ضرورتی ندارد، اما خوب است در مورد اعمال بیطرفانه و متساوی قواعد نسبت به طرفین از حیث انتخاب و نصب داور توسط دیوان توضیح بدهیم.

مطابق ماده ۸ (۴) قواعد، در دآوری‌های سه نفره هر یک از طرفین می‌توانند داور مورد نظر خود را معرفی نمایند و اگر ظرف مهلت مقرر از معرفی داور امتناع ورزند — اعم از این‌که خواهان باشد یا خوانده — دیوان دآوری

به جاي او داور را منصوب مي‌کند. همچنين است در مورد داور ثالث (رئيس هيأت داوري) که اگر طرفين يا داوران ايشان نتوانند در مهلت مقرر به توافق برسند، ديوان داوري بدون اينکه حق اضافي يا امتيازي براي هيچ‌يک از خواهان يا خوانده در نظر بگيرد، شخصي را که البته هم تابعيت با طرفين نخواهد بود، به عنوان داور ثالث و رئيس هيأت داوري انتخاب و منصوب مي‌کند.

يکي ديگر از مصاديق بيطرفي قواعد نسبت به طرفين را مي‌توان در نصب داور در داوري‌هاي چندطرفه ديد. منظور از داوري چندطرفه آن است که يکي از طرفين (يا هر دو آنها) مرکب از چند واحد يا شخص يا شرکت باشند که مجموعاً طرف خواهان يا طرف خوانده را تشکيل مي‌دهند. در اين قبيل موارد، مطابق ماده ۱۰ قواعد داوري، ابتدا به همه اعضاي طرف مربوط (خواهان يا خوانده) فرصتي داده مي‌شود که مشترکاً و متفقاً يك نفر را به عنوان داور خود معرفي نمايند. مشکل هنگامي رخ مي‌نمايد که اجزاء و اعضاي طرف مربوط نتوانند در انتخاب داور

مشترك به توافق برسند، درحالي‌كه طرف مقابل داور خود را انتخاب و معرفي کرده است. در چنين حالي، اگر قرار باشد ديوان به جاي آنها يك نفر داور منصوب کند، طرفهاي متعدد عملاً از داشتن داور منتخب و مورد نظر خود در هيأت داوري محروم ميشوند، درحالي‌كه طرف ديگر اين امکان و امتياز را داشته كه داور مورد اعتماد و علاقه خود را به هيأت داوري بفرستد، و اين موجب عدم تساوي طرفين خواهد بود. به همين لحاظ در بند ۲ ماده ۱۰ قواعد آمده است كه اگر طرف متعدد (خواهان يا خوانده) نتوانند داور مشترك خود را انتخاب و معرفي كنند، هر سه نفر اعضاي هيأت داوري، توسط ديوان داوري اتاق انتخاب و منصوب خواهند شد، در نتيجه طرف مقابل كه احياناً داور خود را معرفي کرده نيز در وضعيت مساوي با طرف ديگر قرار مي‌گيرد، زيرا تمام اعضاي هيأت داوري را خود ديوان منصوب مي‌کند.

به هرحال، بيطرفي و تساوي قواعد داوري اتاق نسبت به طرفين داوري، از اصول پايه‌اي داوري و دادرسي صحيح و اجراي قانون است، و از چنان اهميتي

برخوردار است که در صورت نقض آن، رأی داور در معرض ایراد و حتی ابطال قرار می‌گیرد.

#### **(۴) قطعی و لازم‌الاجرا بودن آراء داور**

##### **اتاق**

هدف نهایی طرفین از مراجعه به داور آن است که مرجع داور به اختلافات و دعاوی ایشان پایان دهد و نزاع را به شیوه‌ای قطعی حل و فصل کند. برای دستیابی به این هدف، باید رأی داور اولاً قطعی باشد یعنی در معرض تجدید نظر و استیناف و اعتراض قرار نگیرد، و ثانیاً لازم‌الاجرا باشد یعنی در صورتی که محکوم‌علیه به آن تمکین نکند، بتوان آن را به اجرا درآورد. این دو خصوصیت مطلوب همان است که «قطعی و لازم‌الاجرا بودن رأی» نامیده می‌شود و از جمله عوامل مهم رونق و اعتبار داور است، زیرا اگر طرفین مطمئن نباشند که رأی صادره قطعی و قابل اجرا است، انگیزه‌ای برای مراجعه به داور ندارند.

قطعی بودن رأی: در نظام رسیدگی قضایی در دادگاه که دادرسی چند مرحله‌ای

**نظام داور اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۰۱**

است، معمولاً رأی بدوی قطعی نیست (مگر در دعاوی که قانون مقرر کرده باشد رأی قطعی است) و قابل استیناف و اعتراض است و حتی قابل فرجامخواهی نیز هست. ولی در داوریه‌ها که قصد طرفین رسیدگی سریع‌تر و عاری از تشریفات طولانی قضایی است، رأی داوریه قطعی و لازم‌الاجرا است. اما بحث در این است که چگونه می‌توان این اوصاف را برای رأی داوریه فراهم کرد. در رسیدگی قضایی، منشأ قطعی و لازم‌الاجرا بودن رأی دادگاه، قانون است اما در داوریه‌ها منشأ آن توافق طرفین در مراجعه به داوریه است. به این معنی که گاه طرفین بالصریح در موافقتنامه داوریه قید می‌کنند که رأی داوریه قطعی و لازم‌الاجرا است که در این صورت تردیدی باقی نمی‌ماند که رأی قطعی است و نسبت به طرفین لازم‌الاجرا خواهد بود. مشکل آنجاست که در موافقتنامه داوریه چنین شرطی وجود نداشته باشد. اما در این مورد نیز می‌توان گفت که توافق و تراضی اولیه اصحاب دعوا که به داوریه و تصمیم شخص ثالث (داور) مراجعه نمایند، به طور ضمنی حاوی این توافق و تعهد اضافی نیز



هست که تصمیم شخص ثالث (رأی داوری) را محترم بشمرند و اجرا نمایند. در داوری‌های اتاق نیز موضوع این‌گونه حل می‌شود که در ماده ۲۸ (۶) قواعد داوری اتاق مقرر شده که رأی داوری قطعی و لازم‌الاجرا است. در واقع طرفین با مراجعه به قواعد اتاق متعهد می‌شوند که رأی را بدون تأخیر اجرا نمایند و چنین تلقی می‌شود که حق اعتراض خود به رأی را نیز ساقط کرده‌اند. البته تا جایی که این اسقاط معتبر و مجاز باشد.<sup>۳۸</sup> علاوه بر مفاد این ماده، سازمان داوری اتاق هم با نظارتهای خود بر جریان داوری، تا

---

۳۸. در مورد سلب حق اعتراض به رأی داوری باید توجه داشت که در ماده ۲۸ (۶) قواعد داوری ذکر شده «تا جایی که بتوان حق اعتراض به رأی را معتبراً ساقط کرد، طرفین این حق را اسقاط می‌کنند». نکته آن است که در بعضی کشورها صرف توافق طرفین در قطعی و غیرقابل اعتراض بودن رأی کافی نیست که رأی صادره با هر مضمونی و هر حکمی قطعی و لازم‌الاجرا شود. زیرا گاه ممکن است رأی داوری برخلاف قوانین آمره و نظم عمومی و اخلاق حسنه آن کشور باشد و از اساس باطل باشد، یا حیثاً داور یا داوران از اختیارات و صلاحیت خود تجاوز کرده و نسبت به موضوعی رأی داده باشند که یا قابل داوری نبوده یا از اصل به داوری ارجاع نشده است. در چنین حالتی طرفین نمی‌توانند به صرف توافق، اجرای قانون آمره آن کشور را کنار گذارند یا نقض نظم عمومی را نادیده بگیرند. بلکه توافق ایشان در اسقاط حق اعتراض باید مورد شناسایی و تأیید قانون نیز باشد.

**نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۰۳**

حدود زيادي مانع از اين ميشود كه رأي صادره با ايرادات و اشكالاتي مواجه گردد كه آن را در معرض اعتراض و ابطال قرار دهد و بدینسان ضريب قطعي بودن رأي و اجراي آن را بالا ميبرد. علاوه بر ماده ۳۵ قواعد داوري اتاق كه ميگويد ديوان داوري و مرجع داوري مربوط همه مساعي خود را براي اينكه رأي صادره قابل اجرا باشد، به كار ميگيرند، مطابق ماده ۶ قواعد داخلي ديوان، ديوان داوري در مقطع بررسي پيشنويس رأي داوري حتي المقدور الزامات امري ناشي از قوانين محل داوري را ملحوظ داشته و اگر اشكال و ايرادي از اين حيث مشاهده نمود به رفع آن برمي آيد، زيرا اگر رأي داوري مقررات آمره كشور محل صدور را نقض كند، با مشكل بزرگي در مرحله اجرا مواجه ميشود. به هر حال، نه تنها مطابق قواعد داوري اتاق كه طرفين آن را پذيرفته اند، آراء داوري كه تحت قواعد آن صادر ميشود لازم الاجرا است، بلكه سيستم نظارت سازمان داوري اتاق هم طوري است كه تأمينهاي فراواني را براي اجراي رأي داوري فراهم ميكند.

لازم الاجرا بودن رأي: در مورد لازم الاجرا بودن رأي بايد توجه داشت كه لازم الاجرا بودن غير از مكانيسم اجراي رأي است و موكول به قوانين داخلي كشور محل اجرا است. به عبارت ديگر، در صورتي كه محكوم عليه، رأي داوري لازم الاجرا را رعايت و اجرا نكند، بايد به دادگاه محل اقامت او مراجعه و تقاضاي شناسايي و اجراي حكم به عمل آورد. البته اجراي آراء داوري كه تحت قواعد اتاق بازرگاني بين المللي صادر شده، چون علي الاصول قطعي و لازم الاجرا است و نيز چون با نظارت يك سازمان داوري معتبر صادر شده و ديوان داوري اتاق هم آن را تأييد کرده، محاكم با اطمینان بيشتري به آنها مي‌نگرند و آسان‌تر و سريع‌تر شناسايي مي‌کنند و دستور اجرا (اجرائيه) صادر مي‌کنند.<sup>۳۹</sup>

### ۳

#### جريان داوری در نظام داوری اتاق

جريان هرگونه دادرسي معمولاً با

---

۳۹. در مورد اجراي آراء داوري، رك. مباحث بند ج در قسمت سوم.

نظام داوري اتاق بازرگاني بين المللي ❖ ۱۰۵

تسلیم دادخواست آغاز و با صدور رأی پایان می‌پذیرد، اعم از اینکه در داورى باشد یا دادگاه، تفاوت قضیه در این است که در رسیدگی قضایی، مرجع رسیدگی (دادگاه) از قبل تشکیل شده و به حکم قانون موجود است، درحالی‌که در رسیدگی داورى، قبل از تسلیم دادخواست باید ابتدا داور یا داوران انتخاب شوند و مرجع داورى تشکیل شود. علاوه بر این، در رسیدگی قضایی، آیین دادرسی به موجب قانون از قبل مشخص شده و موجود است، درحالی‌که در داورى‌ها باید ابتدا تکلیف قواعد داورى و مقررات رسیدگی معلوم شود. به این معنی که اگر داورى از نوع داورى موردی باشد، باید خود طرفین (یا داوران ایشان پس از انتخاب) مقررات داورى را برای خصوص مورد تهیه نمایند، و چنانچه طرفین توافق کرده باشند که داورى خود را مطابق قواعد داورى يك سازمان داورى مانند قواعد داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی انجام دهند، از این حیث يك گام جلو هستند زیرا قواعد رسیدگی از قبل آماده شده و تنها اقدامی که قبل از شروع داورى باید انجام شود،

انتخاب داور یا داوران و تشکیل مرجع داورى است که تحت همان قواعد و با کمک و نظارت همان سازمان داورى صورت می‌پذیرد.

با توجه به این توضیحات و نیز با توجه به قواعد داورى اتاق، می‌توان جریان داورى‌هایی را که مطابق قواعد داورى اتاق انجام می‌شوند به سه مرحله تقسیم کرد: مرحله اول، از زمان تسلیم درخواست داورى تا زمان تنظیم «قرارنامه داورى»<sup>۴۰</sup> که عمدتاً تحت نظر و با مساعدت دبیرخانه دیوان انجام می‌گیرد. در این مرحله، داوران انتخاب، مرجع داورى تشکیل می‌شود، شرح وظایف داوران نیز طی سند موسوم به «قرارنامه داورى» تنظیم و مشخص می‌گردد، و جریان داورى سامان می‌گیرد و منعقد می‌شود و پرونده مهیای رسیدگی می‌شود. مرحله دوم، عبارت است از شروع رسیدگی به ادعاهای طرفین و مرافعات ایشان، تا زمان صدور رأی. این مرحله پس از تنظیم و امضای قرارنامه داورى شروع می‌شود که دبیرخانه پرونده را به داور یا داوران تسلیم

---

40. Terms of reference.

می‌کند و مشتمل است بر رسیدگی و بررسی ادعاها و ایرادات و مرافعات طرفین، تبادل لوایح، معرفی شهود یا کارشناس، تشکیل جلسه استماع شفاهی، و بالاخره اعلام ختم رسیدگی توسط مرجع داور - مرحله سوم نیز عبارت است از شور داوران (در داورهای سه نفره) و تهیه پیش‌نویس رأی و ارسال آن جهت بررسی و تأیید دیوان داور و سپس صدور آن و آنگاه اجرای رأی که اگر محکوم‌علیه طوعاً آن را اجرا نکند، ناگزیر باید به دادگاه صالح مراجعه شود. چنانکه پیدا است، حاقّ داور و کانون حل و فصل دعوا در مرحله دوم یعنی رسیدگی به ادعاها و صدور رأی است.

اینک ببینیم جریان رسیدگی داور تحت قواعد داور اتاق چگونه انجام می‌گیرد و مشکلاتی که احیاناً در هر مرحله پیش می‌آید چگونه حل می‌شود و سازمان داور اتاق چگونه جریان داور را ساماندهی و بر آن نظارت می‌نماید. در این قسمت قواعد داور اتاق را نیز متناسب با مباحث مطروحه، بررسی خواهیم کرد.

## الف مرحله اول: از درخواست داوري تا امضاي قرارنامه داوري

### (۱) تسليم درخواست داوري و پاسخ آن

نقطه آغاز داوري در اتاق بازرگاني بين‌المللي، تسليم «درخواست داوري» است که بايد به دبیرخانه اتاق در پاریس داده شود یا از طریق کمیته ملي يکي از کشورها (اغلب کشور متبوع خواهان) به دبیرخانه فرستاده شود. معمولاً متقاضی داوري که «درخواست داوري» می‌دهد، خواهان است اما هیچ مانعی ندارد که طرفین متفقاً درخواست داوري خود را به دبیرخانه تسليم نمایند و داوران خود را معرفی و حتي موضوعات تحت اختلاف را مشترکاً تعريف و تعیین کنند و بخواهند که مرجع داوري فوراً وارد رسیدگی شود و رأی دهد.<sup>۴۱</sup>

پس از وصول «درخواست داوري»، دبیرخانه آن را تحت شماره‌اي ثبت می‌کند

---

۴۱. سازمان داوري اتاق در حال حاضر مشغول بررسی و تهیه مقرراتي است که براي رسیدگی به «دعاوي کوچک» (small claims) مورد استفاده قرار گیرد. هدف آن است که در این قبیل دعاوي مقررات سهل‌تر و سریع‌تری براي رسیدگی وضع شود و نیازی به رعایت مقررات مفصل داوري نباشد.

و به یکی از مشاورین حقوقی دبیرخانه ارجاع می‌کند و سپس دریافت درخواست را همراه با نام و مشخصات مشاوره که برای پرونده انتخاب شده و متصدی آن است، به هر دو طرف اعلام می‌نماید. از این به بعد، کلیه مکاتبات و ارتباطات طرفین و داوران با دبیرخانه و دیوان داوره اتاق از طریق همین مشاور حقوقی انجام می‌شود. به هر حال، تاریخ وصول «درخواست داوره» به دبیرخانه، تاریخ شروع داوره است.

مطابق ماده ۴ (۳) قواعد داوره اتاق، خواهان باید در «درخواست داوره» خود نکات زیر را متذکر شود و توضیح دهد:

– مشخصات طرفین (اصحاب دعوا) و آدرس آنها

– شرح مختصری از نوع و ماهیت ادعاها و اوضاع و احوالی که منجر به بروز اختلاف و ادعا شده

– شرح خواسته مورد تقاضا که حتی المقدور باید با ذکر مبلغ خواسته باشد

– ذکر قرارداد اصلی که منشأ اختلاف است، بویژه ذکر موافقتنامه داوره برای



مراجعه به داوري اتاق

- اظهار نظر درباره تعداد داوران،  
و نحوه انتخاب ایشان مطابق قواعد اتاق،  
بويژه معرفي داور توسط خواهان  
- اظهار نظر درباره محل داوري، زبان  
داوري، و نيز قانون حاکم.

دبیرخانه، قبل از ارسال درخواست  
داوري براي خوانده دعوا، مطابق جدول  
هزینه‌ها مبلغی را به صورت موقت براي  
هزینه‌هایی که علی‌القاعده براي این  
مرحله مقدماتی تا زمان تنظیم و امضای  
قرارنامه داوري لازم است، تعیین می‌کند و  
به خواهان ابلاغ می‌کند و مهلتی نیز  
معلوم می‌نماید که آن را بپردازد. مطابق  
ماده ۵ (۴) قواعد، در صورتی‌که خواهان  
این پیش پرداخت موقتی را نپردازد،  
پرونده در همین جا بسته می‌شود معذک  
خواهان می‌تواند مجدداً آن را طی دعوای  
جدیدی مطرح نماید. به هر حال، پس از  
دریافت پیش‌پرداخت هزینه‌ها، دبیرخانه  
درخواست داوري را براي خوانده می‌فرستد  
و خوانده ۳۰ روز مهلت دارد که به آن  
پاسخ بدهد و در صورتی‌که ادعای متقابل

**نظام داوري اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۱۱**

دارد می‌تواند ضمن همین جوابیه مطرح نماید (ماده ۵ (۵) قواعد). بعد از وصول جوابیه خوانده، دبیرخانه آن را برای خواهان می‌فرستد، و اگر حاوی دعوی متقابل باشد خواهان نیز ۳۰ روز مهلت دارد که پاسخ ادعای متقابل را بدهد.

مطابق ماده ۵ (۱) قواعد، پاسخ خوانده به درخواست داور باید از جمله، شامل نکات زیر باشد:

— نام و مشخصات و آدرس کامل او  
(خوانده)

— اعلام نظر درباره ماهیت اختلافات و اوضاع و احوالی که منجر به بروز اختلاف و ادعا شده

— پاسخ به خواسته مورد تقاضای خواهان

— اعلام نظر درباره تعداد داوران و انتخاب ایشان در پرتو پیشنهادی که خواهان داده و نیز معرفی داور مورد نظر خود

— اعلام نظر درباره محل داور، زبان داور و نیز قانون حاکم.

چنانچه خوانده بخواهد دعوی متقابل

مطرح نماید، ادعای متقابل نیز باید حاوی موارد زیر باشد:

– توضیح ماهیت اختلاف و نیز اوضاع و احوالی که منجر به بروز ادعای متقابل شده است

– ذکر خواسته متقابل مورد تقاضا، و حتی المقدور تعیین مبلغ آن.

اگر خواننده ظرف مهلت ۳۰ روزه پاسخی ندهد، مانع از ادامه جریان داورى نیست (ماده ۶ (۱) قواعد). معذک خواننده می‌تواند برای پاسخ به درخواست داورى، تقاضای تمدید مهلت بنماید، مشروط به اینکه در همین مقطع درباره تعداد داوران و انتخاب ایشان اظهار نظر کرده باشد و بویژه داور خود را نیز معرفی نماید (ماده ۵ (۲) قواعد). این تدبیر برای آن است که مرجع داورى هرچه زودتر تشکیل شود و خواننده نتواند به بهانه تمدید مهلت پاسخ یا عدم معرفی داور خود، از تشکیل هیأت داورى جلوگیری نماید یا آن را به تأخیر اندازد.

لازم به یادآورى است که «درخواست داورى» و نیز «پاسخ» آن و حتی دعواى

**نظام داورى اتاق بازرگانى بین‌المللى ❖ ۱۱۳**

متقابل که در این مرحله مقدماتی داده می‌شود، دادخواست و دفاع به معنای مصطلح نیست، و همان‌طور که در بالا دیدیم، محتویات آنها عبارت است از اطلاعات اولیه و مقدماتی که برای ساماندهی جریان داورى و شروع رسیدگی لازم است. به همین لحاظ است که در بین نکاتی که باید در درخواست داورى و پاسخ آن ذکر شود به جای طرح دعوا یا تبادل لوایح یا دفاع مثلاً گفته شده «اعلام نظر درباره ماهیت و نوع اختلاف و زمینه بروز آن» یا در مورد خواسته گفته شده «ذکر خواسته و در صورت امکان مبلغ آن»، زیرا در این مرحله مقدماتی چه بسا هنوز ارزیابی خواسته و تعیین مبلغ دقیق آن ممکن نباشد. روش صحیح نیز همین است که در قواعد داورى اتاق آمده است، زیرا طرح مسائل ماهوی و تبادل لوایح و ارائه اسناد و مدارک باید نزد خود مرجع داورى که وظیفه رسیدگی و حل و فصل دعوا را دارد، انجام شود و ربطی به دبیرخانه دیوان که یک مرجع اداری است و تسهیلات و خدماتی را برای راه انداختن داورى ارائه می‌کند، ندارد. به هر حال، معمولاً

پس از این‌که جریان داوری وارد مرحله دوم شد، با دستور مرجع داوری، خواهان « دادخواست تفصیلی» می‌دهد، خواننده دفاع ماهوی می‌کند و هر دو طرف تبادل لوایح می‌کنند و مطالب و دفاعیات اصلی خود را مطرح می‌کنند.

## (۲) وجود موافقتنامه داوری

اساس داوری، قرارداد و توافق طرفین است و داوری اجباری بویژه در سطح بین‌المللی وجود ندارد و حتی در حقوق داخلی هم داوری اجباری در بعضی امور تجاری که به حکم قانون مقرر شده باشد، استثناء است.<sup>۴۲</sup>

---

۴۲. مثلاً به موجب ماده ۱۷ قانون بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵، اختلافات بین کارگزاران بورس و خریداران یا فروشندگان به یک هیأت داوری سه نفره ارجاع می‌شود که متشکل از داوران منصوب بانک مرکزی، اتاق بازرگانی و دادگستری است. علاوه بر این، به موجب مواد ۹ به بعد (فصل سوم) قانون برنامه سوم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مقرر شده سهام شرکتهای بخش دولتی با رعایت شرایط خاصی به بخش خصوصی و تعاونی فروخته شود. سپس در ماده ۲۰ همان قانون پیش‌بینی شده که «رسیدگی، اظهار نظر و اتخاذ تصمیم در مورد شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی از هر یک از تصمیم‌ها در امر واگذاری در صلاحیت هیأت داوری است...» این هیأت داوری هفت نفره است که پنج نفر از اعضای آن با تصویب هیأت وزیران برای مدت شش سال منصوب می‌شوند و دو نفر دیگر عبارتند از رئیس اتاق بازرگانی و رئیس اتاق تعاون.

## نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۱۵

موافقتنامه داورى ممکن است هنگام انعقاد قرارداد اصلى و به صورت شرط ضمن قرارداد در يکى از مواد آن درج شده باشد که آن را «شرط داورى» گویند، یا به صورت جداگانه و طى يك سند مستقل منعقد شود که «موافقتنامه یا قرارداد داورى» نام دارد. گاه ممکن است يکى از طرفین (خواهان) بدون هیچگونه موافقتنامه یا شرط داورى قبلى به داورى تاق مراجعه و درخواست داورى بدهد که اگر طرف مقابل (خوانده) بپذیرد، طبعاً به معنای انعقاد موافقتنامه داورى است و معتبر محسوب می‌شود. موافقتنامه داورى، اساس مشروعیت و صلاحیت داورى است و اگر وجود نداشته باشد، یا به دلیلى مخدوش باشد، یا باطل یا فسخ شده باشد طبعاً داورى هم وجود نخواهد داشت و به هر حال نمیتوان طرف را به داورى اجبار کرد.

به این ترتیب، این احتمال وجود دارد که هنگامی که يکى از طرفین به داورى تاق مراجعه می‌کند، طرف مقابل وجود موافقتنامه داورى را انکار نماید یا استدلال کند قرارداد مذکور فسخ شده و

یا از اساس معتبر نبوده یا اینکه اگر هم موافقتنامه داوری منعقد شده، راجع به انواع خاصی از اختلافات و دعاوی بوده، و یا اینکه مقصود از ارجاع امر به داوری مراجعه به داوری اتقاق بازرگانی نبوده است و امثال آنها. مضمون این قبیل ایرادات فی الواقع ناظر است به وجود و اعتبار موافقتنامه داوری یا قلمرو آن، و اگر پذیرفته شود نتیجه آن عدم صلاحیت مرجع داوری است.

رویه سنتی در این قبیل موارد که به صلاحیت داوری ایراد می‌شد آن بود که جریان داوری در همان ابتدای کار متوقف می‌شد و مدعی (ایرادکننده) مجبور بود به دادگاه صالح رجوع کند و اگر دادگاه اعتبار موافقتنامه داوری را احراز و تأیید می‌کرد، جریان داوری ادامه می‌یافت. اشکال این رویه آن بود که اول باید داور یا داوران انتخاب می‌شدند و مرجع داوری تشکیل می‌گردید تا ایراد صلاحیت قابل طرح باشد، که این امر مسلماً باعث تأخیر و تطویل کار و حتی صرف هزینه‌هایی می‌شد. اما مطابق رویه فعلی داوری بین‌المللی، خود مرجع داوری صلاحیت

**نظام داوری اتقاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۱۷**

دارد که به صلاحیت خود رسیدگی کند که اصطلاحاً آن را «صلاحیت به صلاحیت»<sup>۴۳</sup> گویند. از لحاظ نظری دو مبنا برای این رویه وجود دارد: یکی این‌که قصد واقعی طرفین از مراجعه به داوری آن است که موضوع از صلاحیت محاکم دادگستری خارج شود که در تفسیر اراده طرفین در این قبیل موارد باید این واقعیت را مورد توجه جدی قرار داد. بنابراین صرف ارجاع دعاوی و اختلافات به داوری، به طور ضمنی به این معنی است که طرفین توافق کرده‌اند که مرجع داوری صلاحیت داشته باشد به مسئله صلاحیت خود و قلمرو آن نیز رسیدگی کند زیرا مقدمه لازم و شرط عملی شدن و معنادار بودن توافق طرفین در مراجعه به داوری همین است که مرجع داوری بتواند تصمیم بگیرد آیا صلاحیت و مشروعیت رسیدگی به دعاوی مطروحه را دارد یا نه. دوم این‌که شرط داوری که ضمن قرارداد اصلی آمده، مستقل از قرارداد است و در نتیجه اشکالات و ایرادات قراردادی (مانند بی‌اعتباری، بطلان، فسخ قرارداد اصلی) به شرط داوری

---

43. competence du competence.



تسري نمی‌کند زیرا یکی از ادعاها و اختلافات ناشی از قرارداد اصلی که به داورى ارجاع شده همین است که یکی از طرفین مدعی شود قرارداد و از جمله شرط داورى مندرج در آن معتبر نیست یا فسخ شده و طرف دیگر بگوید معتبر است.<sup>۴۴</sup>

در سیستم داورى اتقاق، رویه بینابینی برای حل مسئله صلاحیت اتخاذ شده است به این معنی که اگر در آستانه شروع دعوا خواننده در مورد وجود یا اعتبار موافقتنامه داورى ایتراد نماید، موضوع به دیوان داورى اتقاق ارجاع می‌شود که پیش از این درباره آن صحبت کردیم و گفتیم یکی از مراحل نظارت مؤثر دیوان در همین جا است.<sup>۴۵</sup> در این حالت، اگر دیوان با بررسی قضیه متقاعد شود که موافقتنامه داورى به صورت علی‌الظاهر وجود دارد، همین مقدار برای ادامه داورى کافی است، ولی چون تصمیم دیوان

---

۴۴. استقلال شرط داورى از قرارداد اصلی در ماده ۶ (۴) قواعد داورى اتقاق آمده که می‌گوید: «... صرف این ادعا که قرارداد اصلی [که شامل شرط داورى است] باطل و بی‌اعتبار است، یا قراردادی وجود نداشته، صلاحیت مرجع داورى را متوقف نمی‌کند، مشروط به این‌که مرجع داورى اعتبار موافقتنامه داورى را احراز نماید...».

۴۵. رك. ص ۵۳ به بعد همین مقاله.

ماهوي نيست و به صورت علي الظاهر اتخاذ شده، ايرادکننده مي‌تواند ايراد خود را نزد مرجع داوري مطرح کند و ادامه دهد و مطابق قاعده صلاحيت به صلاحيت، خود مرجع داوري صلاحيت دارد به مسئله و ايرادات صلاحيتي، رسيدگي نمايد. از طرف ديگر، اگر ديوان داوري اتاق علي الظاهر متقاعد نشود که موافقتنامه داوري وجود دارد، مراتب به طرفين اعلام مي‌شود که داوري قابل ادامه نيست، منتهي چون تصميم ديوان در اين مورد نيز تصميم ماهوي نيست، مانع از اين نخواهد بود که مدعي وجود موافقتنامه داوري، موضوع را نزد دادگاه صالح پيگيري نمايد (ماده ۶ (۲) قواعد).

### (۳) تشکيل مرجع داوري

مرجع داوري از داور يا داوراني که طرفين يا ديوان داوري اتاق معرفي يا منصوب مي‌کنند، تشکيل مي‌شود. يکي از مهم‌ترين امتيازات داوري اين است که طرفين مي‌توانند داور مورد اعتماد خود را انتخاب کنند و رسيدگي به دعوا را به کسي بسپارند که به نظر ايشان صلاحيت و

تخصص و اعتبار كافي دارد. اما اگر همین امتیاز ضمانت اجرای مؤثری نداشته باشد و به درستی مورد استفاده قرار نگیرد، می‌تواند دشواریهای اساسی را ایجاد کند و حتی انجام داورى را مختل و متعذر سازد، و آن هنگامی است که یکی از طرفین از معرفی داور خود امتناع ورزد یا در مرحله انتخاب داور مشترك که مستلزم همکاری و توافق هر دو طرف است، حاضر به همکاری و توافق نشود و بهانه‌جویی نماید. اگر این مشکل در داوریهایی موردی، پیش آید ناگزیر باید به دادگاه مراجعه کرد تا از جانب طرف ممتنع، داور نصب کند که البته مسیر طولانی و وقت‌گیری است. اما در داوریهایی سازمانی مانند داورى اتاق، ضمانت اجرای كافي و مؤثر در قواعد داورى اتاق آمده و دیوان داورى آن را به سرعت حل می‌نماید و به جای طرف ممتنع، داور نصب می‌کند.

به طورکلی طرفین می‌توانند توافق کنند که داورى به صورت يك نفره برگزار شود یا به صورت سه نفره که هیأت داورى تشکیل می‌شود (به ندرت ممکن است هیأت داورى بیش از سه نفر باشد). در

**نظام داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۲۱**

داوريهاي يك نفره، داور منفرد را طرفين به اتفاق و با توافق انتخاب و معرفي مي‌کنند، اما در داوريهاي سه نفره هريك از طرفين، يك نفر داور خود را معرفي مي‌کنند و سپس داور ثالث را - كه رئيس هيات داوري نيز هست - مشتركاً انتخاب و منصوب مي‌کنند كه معمولاً انتخاب او را به عهده دو نفر داوران خود واگذار مي‌نمايند.

انتخاب و معرفي داور منحصر به شروع داوري نيست، بلكه ممكن است در اثناي داوري نيز ضرورت يابد، اين‌كه يكي از داوران فوت كند يا استعفا دهد يا در اثر جرح يا ناتواني از انجام وظيفه داوري، كنار گذاشته شود كه در همه اين حالاتها لازم خواهد بود كه شخص ديگري به جاي او معرفي شود. بنا بر اين انتخاب داور، جرح داور و تعويض او سه مطلبي است كه بايد ذيل «تشكيل مرجع داوري» مطالعه كنيم.

### (۱-۳) انتخاب داور

قواعد داوري اتق براي انتخاب و معرفي داور مقررات روشن و مطمئني دارد

و ضمن این‌که اصل آزادی اراده و انتخاب طرفین برای معرفی داور را محترم و مقدم دانسته و حقوق مساوی برای ایشان قایل شده است اما ترتیبی داده که عدم معرفی داور مانع از تشکیل مرجع داور و ادامه داور نشود. علاوه بر این، قواعد داور و اتقاق نحوه انتخاب داور در داوریه‌های چندطرفه را نیز پیش‌بینی کرده که از نوآوری‌های آن به شمار می‌رود.

معرفی داور: مطابق ماده ۸ (۲) قواعد، در صورتی‌که طرفین درباره تعداد داوران توافقی نکرده باشند، اصولاً مرجع داور یک نفر خواهد بود که خود دیوان داور و اتقاق او را انتخاب و منصوب می‌کند، مگر این‌که به نظر دیوان داور موضوع دعوا و اوضاع و احوال آن طوری باشد که لازم باشد هیأت داور سه نفره تشکیل گردد، که در این صورت دیوان به خواهان ۱۵ روز مهلت می‌دهد که داور خود را معرفی کند و از تاریخ معرفی داور خواهان ۱۵ روز هم به خوانده فرصت می‌دهد که داور مورد نظر خویش را انتخاب و معرفی نماید.

طبق ماده ۸ (۳) قواعد در صورتی‌که

**نظام داور و اتقاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۲۳**

طرفین توافق و شرط کرده باشند که اختلافات فیما بین به داور منفرد ارجاع شود، می‌توانند ظرف ۳۰ روز داور مورد نظر را با توافق انتخاب و معرفی کنند و اگر نتوانند ظرف این مهلت به توافق دست یابند، دیوان داور و او را منصوب می‌کند. چنانچه طرفین توافق کرده باشند که اختلاف فیما بین به هیأت داور سه نفره ارجاع شود، هرکدام می‌توانند داور خود را معرفی نمایند و اگر استنکاف ورزند، دیوان داور او را منصوب می‌کند. رئیس هیأت داور (داور ثالث) هم توسط دیوان انتخاب و معرفی می‌شود، اما طرفین می‌توانند توافق کنند که رئیس هیأت داور به ترتیب دیگری انتخاب شود (مانند این‌که خود ایشان یا داوران منتخب ایشان، یا احیاناً یک مقام ثالث - مثلاً رئیس اتاق بازرگانی محل - داور ثالث را منصوب کند).

در مواردی که طبق قواعد داور و، دیوان باید داور انتخاب کند (اعم از داور منفرد، داور رئیس، یا داور طرف ممتنع) ابتدا با کمیته ملی اتاق در کشورهای مربوط مشورت می‌کند و از آنها

میخواهد فرد یا افرادی را پیشنهاد کنند (مواد ۹ (۳) و ۹ (۶) قواعد). داورانی که اتاق به عنوان داور منفرد یا رئیس هیأت داوران انتخاب و منصوب می‌کند نباید با اصحاب دعوا هم تابعیت باشند، و در صورتی که هم تابعیت باشند، ابتدا دیوان باید مراتب را به طرفین اطلاع دهد و اگر اعتراضی نکردند می‌تواند او را انتخاب و نصب کند (ماده ۹ (۵) قواعد).

تأیید داور توسط دیوان: در کلیه مواردی که داور یا داوران انتخاب و معرفی می‌شوند، باید انتصاب ایشان به این سمت به تأیید و تصویب دیوان داوران برسد. مطابق ماده ۹ (۱) قواعد، دیوان هنگام بررسی و تأیید داور تابعیت او، اقامتگاه او، سهولت دسترسی به او، توانایی او در انجام وظیفه و سایر ملاحظات از قبیل سوابق کاری و تجارب او را در نظر می‌گیرد. تأیید و نصب داور بر عهده دیوان است اما ماده ۹ (۲) قواعد که از مواد الحاقی به قواعد جدید است اجازه داده که دبیرکل دیوان داوران نیز در موارد خاصی این کار را انجام دهد، و آن هنگامی است که طرفین با توافق داور

**نظام داوران اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۲۵**

مربوط (اعم از داور منفرد، رئیس هیأت داورى یا داور طرف) را معرفی کرده باشد و اعلام استقلال داور نیز بدون قید و شرط باشد یا اگر شرطمند است طرفین به آن اعتراضی نکرده باشند.

از نظر حقوقی، با تأیید و تصویب داور توسط دیوان یا دبیرخانه، در واقع نوعی رابطه حقوقی و قراردادی بین او و سازمان داورى اتفاق و طرفین برقرار می‌شود که به موجب آن داور مکلف به انجام وظیفه و رعایت قواعد داورى می‌شود (ماده ۷ (۵) قواعد) کما این‌که استعفای داور باید در دیوان پذیرفته شود. علاوه بر این، داور یا داورانی که نصب آنها به تأیید دیوان داورى رسیده از امتیازات و مصونیت‌های مقرر در قواعد نیز برخوردار می‌شوند. مطابق ماده ۳۴ قواعد داورى که از نوآوری‌های آن است هم داوران و هم اعضای دیوان و دبیرخانه از هرگونه مسئولیت ناشی از فعل یا ترک فعل در جریان رسیدگی یا داورى، معاف می‌باشند. هدف این ماده فراهم کردن امنیت بیشتر برای داوران و نیز برای مسؤولان دیوان و دبیرخانه است که با اطمینان



خاطر و بدون واهمه از عواقب تصمیمات و اعمال یا ترك عمل، كار اصلي خود را انجام دهند. به هرحال، شرط معافیت از مسؤولیت که در ماده ۳۴ قواعد آمده آن است که داوران وظیفه خود را به صورت متعارف و با رعایت موازین انجام دهند و لذا در صورت ارتكاب تقصیر عمده یا تخلفات عمدي همچنان مسؤول خواهند بود.

*استقلال و بیطرفی داور: فرد یا افرادی که به عنوان داور معرفی می‌شوند، باید مستقل از طرفین باشند و در طول جریان داورى هم استقلال خود را حفظ نمایند. منظور از استقلال داور آن است که رابطه خادم و مخدومی با طرف نداشته باشد، با هیچ‌یک از طرفین اشتراك یا تعارض منافع نداشته باشد، و شرایطی نداشته باشد که بتواند فارغ از هر ملاحظه‌ای بیطرفانه به دعوا رسیدگی نماید و رأی دهد. منظور از بیطرفی داور نیز آن است که هنگام رسیدگی و رأی تحت تأثیر عوامل و ملاحظات گوناگون قرار نگیرد و فقط قانون و موازین حقوقی و عدالت را در نظر بگیرد. شرط استقلال و بیطرفی داور، نهایت اهمیت را دارد و در*

**نظام داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۲۷**

صورتی که مخدوش شود، او را در معرض جرح و سلب سمت داور قرار می‌دهد، که بعداً بررسی می‌کنیم.

وصف استقلال و بیطرفی، هم عینی است و هم ذهنی و باید به طور قطعی وجود داشته باشد و نسبت‌بردار نیست و خود شخص داور بهتر از هرکس به آن وقوف دارد و موظف است آن را حفظ نماید. از این رو، داوران نیز نهایت مراقبت را می‌کنند که این اوصاف را حفظ نمایند زیرا اساس حیثیت و اعتبار ایشان است. ماده ۷ (۲) قواعد در این مورد می‌گوید، کسی که به عنوان داور نامزد و معرفی شده و قرار است با تصویب دیوان داور، داور بشود مکلف است ابتدا اعلامیه‌ای کتبی مبنی بر این‌که مستقل از اصحاب دعوا است امضا کند و به دبیرخانه دیوان تسلیم نماید و ضمن آن باید هرگونه اوضاع و احوال یا واقعیت‌هایی که ممکن است استقلال او را در نظر طرفین با تردید مواجه سازد، اعلام و افشاء کند. (مانند این‌که در استخدام یکی از طرفین بوده، یا مشاور حقوقی یا وکیل یکی از طرفین باشد، یا در شرکت او سهامدار باشد، یا در پرونده

دیگری وکیل طرف مقابل باشد و امثال اینها). دبیرخانه این اعلامیه مستقل بودن داور را به طرفین می‌دهد و مهلتی قائل می‌شود که درباره آن اظهارنظر نمایند. در صورتی که هیچ‌یک از طرفین نظری ندهند، بدان معنی است که استقلال داور در نظر ایشان مخدوش نیست، اما در صورتی که به نظر ایشان مفاد اطلاعات و واقعیاتی که در اعلامیه مذکور آمده یا اطلاعاتی که خود ایشان از سایر منابع دارند، استقلال او را در معرض تردید قرار دهد، می‌توانند به معرفی او به عنوان داور اعتراض نمایند که رسیدگی به آن با دیوان داور است. در هر حال، تصمیم دیوان درباره تصویب و تأیید داور یا رد نامزدی او، قطعی است (ماده ۷ (۴) قواعد).

استقلال و بیطرفی داور، تکلیف اوست و موظف است در طول رسیدگی هم آن را حفظ نماید. به همین لحاظ ماده ۷ (۳) قواعد مقرر می‌کند که در صورتی که در اثنای رسیدگی، برای داور واقعیات و اوضاع و احوالی پیش آید که استقلال او را در معرض تردید و شبهه قرار دهد (مانند

**نظام داورى اتاق بازرگانى بين‌المللى ❖ ۱۲۹**

این‌که در شرکت یکی از طرفین سهامدار شود)، مکلف است آن را افشاء نماید. در صورتی‌که چنین وضعی پیش آید و داور اعلام نکند، اما یکی از طرفین از آن مطلع شود می‌تواند مراتب را به دیوان اعلام کند و داور مربوط را جرح نماید که بعداً به آن می‌پردازیم.

### (۲-۳) انتخاب داور در داوریهای چند طرفه

منظور از داوری چند طرفه آن است که یکی از طرفین و یا گاه هر دو آنها، مرکب از چند شرکت یا شخص حقیقی باشند که متفقاً طرف خواهان یا طرف خوانده را تشکیل دهند و نفع مشترک در دعوا دارند. این وضعیت در قراردادهای بین‌المللی چندطرفه که به صورت کنسرسیوم منعقد می‌شود، بیشتر پیش می‌آید. در چنین حالتی، اگر بین طرفین اختلافی حاصل شود و به داوری رجوع کنند، آن را «داوری چند طرفه» گویند.<sup>۴۶</sup> در این صورت، اگر قرار باشد هر یک از اعضای طرف خواهان یا طرف خوانده داور خود را معرفی نماید، هیأت داوری حداقل چهار نفره خواهد شد

---

46. Multy-party arbitration.

که رسیدگی و تصمیم‌گیری را با مشکل مواجه می‌سازد و هنگام صدور رأی حصول اکثریت را غیرممکن می‌کند. مضافاً که یکی از طرفها که مرکب از دو واحد یا شرکت است، دو نفر داور خواهد داشت و طرف دیگر يك نفر که این هم به معنای عدم تساوی طرفین خواهد بود. از سوی دیگر، وادار کردن اعضای طرف خواهان یا طرف خواننده که مشترکاً يك نفر داور را انتخاب نمایند، به معنای محروم کردن ایشان از داشتن داور مورد نظر خود می‌باشد، و از این حیث به منزله عدم تساوی طرفین است. مسئله داوریهایی چند طرفه از مسائل پیچیده و مهم داوریهایی بین‌المللی است که مدتها در محافل حقوقی مورد بحث بوده، اما امروزه رفته رفته رویه نسبتاً مشخصی در مورد آن بوجود آمده است.

قواعد داوریهی اتاق تا قبل از اصلاح سال ۱۹۹۸ درباره داوریهایی چند طرفه صراحت کافی نداشت، اما ماده ۱۰ قواعد فعلی مشخصاً به این موضوع اختصاص یافته و سعی کرده حداکثر تساوی و بیطرفی را در مرحله انتخاب داور در داوریهایی چند

**نظام داوریهی اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۳۱**

طرفه رعایت کند. به موجب بند ۱ این ماده در داوریهایی چند طرفه که باید به هیأت داوریهی سه نفره ارجاع شود، هر یک از طرفه‌های دعوا، اعم از خواهان یا خوانده که به صورت متعدد باشند باید متفقاً یک نفر داور مشترک معرفی نمایند. مطابق بند ۲ همین ماده، اگر اعضای تشکیل دهنده طرف مربوط نتوانند متفقاً داور مشترک انتخاب نمایند یا در صورتی که همه طرفها اساساً نتوانند در مورد نحوه تشکیل مرجع داوریهی توافق کنند، دیوان داوریهی اتاق همه اعضای هیأت داوریهی را انتخاب و منصوب می‌نماید و یک نفر از ایشان را نیز به عنوان رئیس هیأت داوریهی برمی‌گزیند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در چنین حالتی دیوان داوریهی اتاق حتی برای طرف مقابل که ممکن است داور خود را معرفی کند و مشکلی نداشته باشد، نیز داور منصوب می‌کند. علت اتخاذ این رویه در ماده مذکور آن است که با همه طرفها رفتار مساوی شده باشد و هیچ‌یک از طرفین دعوا در موقعیت بهتر و مساعدتری از حیث داشتن داور اختصاصی، قرار نگیرد. زیرا اگر قرار

باشد دیوان فقط برای طرفی که اعضای آن نتوانسته‌اند در انتخاب داور مشترک به توافق برسند، داور نصب کند ولی طرف مقابل داور منتخب خود را داشته باشد، عملاً طرف اول در موقعیت فروتر و بدتری قرار گرفته است. به همین لحاظ، در این قبیل موارد دیوان، کل هیأت داور را تعیین می‌کند تا همه طرفها از حیث داشتن داور در وضعیت مساوی باشند.<sup>۴۷</sup>

---

۴۷. چند سال قبل که در یک داور چند طرفه (معروف به پرونده «دوتکو») طرفهای متعدد نتوانسته بودند داور مشترک معرفی کنند و به همین لحاظ دیوان یک نفر داور را به جای ایشان منصوب کرده بود. اما طرف مقابل ایشان داور اختصاصی خود را داشت. طرفهای متعدد به این وضع اعتراض کردند و به دادگاه پاریس مراجعه و مدعی شدند که تساوی نسبت به طرفین رعایت نشده و طرف مقابل که نتوانسته داور خود را انتخاب و معرفی کند، وضع بهتر و ممتازی پیدا کرده است. این موضوع تا دیوان عالی کشور فرانسه پیش رفت و دیوان کشور هم نظر ایشان را پذیرفت و اعلام کرد اگر قاعده رفتار مساوی با طرفین مخدوش شود، خلاف نظم عمومی فرانسه است. همین تصمیم دیوان کشور که در پرونده «دوتکو» اتخاذ شده بود و به همین نام هم معروف شده، موجب شد دیوان طی بخشنامه‌ای اعلام کرد در داورهای چند طرفه اگر یکی از طرفین نتواند داور خود را مشترکاً معرفی کند، کل هیأت داور توسط دیوان داور تعیین و منصوب خواهد شد. بعداً که قواعد اصلاح شد همین مطلب به صورت ماده ۱۰ فعلی درآمده است. رک.

Dutco, Siemens AG and BKMI Industriellen Legal GMBH vs. Auto contraction C°. French Cour de Cassation, 1 ch. Civile, 7 jan. 1992.

**نظام داورى اتاق بازرگانى بين‌المللى ❖ ۱۳۳**

### (۳-۳) جرح داور

پیش از این گفتیم که داور باید هنگام انتصاب به این سمت و نیز در طول انجام وظیفه و مأموریت خود تا زمان صدور رأی، صفت استقلال داشته باشد و بیطرف هم باشد. استقلال و بیطرفی داور، ضامن صحت رسیدگی و اعتبار تصمیم او است. قواعد داوری اتاق در ماده ۷ (۲) داور را ملزم می‌کند که قبل از تأیید او در دیوان، اعلامیه‌ای کتبی مبنی بر دارا بودن صفت استقلال را امضا کند و اگر بعداً اوضاع و احوالی حادث شد که استقلال او را با تردید مواجه می‌سازد، نیز موظف است آن را اعلان و افشاء کند. در این صورت با طرفین است که آیا همچنان به او اعتماد بورزند یا بخواهند که کناره‌گیری نمایند. و نیز اشاره کردیم که استقلال و بیطرفی داور یک مفهوم ذهنی و قائم به شخص است، اما موارد عدم استقلال و بیطرفی، عینی و خاص (سوبژکتیو) است و بسته به اوضاع و احوال متفاوت است. مثلاً موضع‌گیری به نفع یکی از طرفین در جریان رسیدگی یا ندادن اجازه دفاع از موارد نقض بیطرفی است، و نیز داشتن رابطه



خادم و مخدومي با ايشان، يا ذينفع بودن در دعوا از مصاديق بارز عدم استقلال است.

ضمانت اجراي استقلال و بيطرفي داور، جرح او است. به اين معني كه اگر داور هريك از طرفين يا داور رئيس فاقد اين صفت باشد و حاضر نشود كناره‌گيري نمايد، هريك از طرفين مي‌تواند او را جرح كند. ماده ۱۱ قواعد ديوان درباره تشريفات جرح، مقررات روشن و صريحي را پيش‌بينی کرده است. مطابق ماده ۱۱ (۱) جرح داور به علت عدم استقلال يا ساير علل، بايد به صورت كتبي به دبیرخانه ديوان تسليم شود و حاوي شرح و اوضاع و احوالي باشد كه مبناي جرح قرار گرفته است و مطابق بند ۲ ماده مذکور اعلام جرح بايد ظرف ۳۰ روز از تاريخ تأييد نصب داور توسط ديوان داوري يا اگر علت جرح بعداً در حين رسيدگي حادث شود و يا اگر از قبل وجود داشته ولي بعداً مكشوف شود، بايد ظرف ۳۰ روز از تاريخي باشد كه جرح‌كننده از آن مطلع شده است. رسيدگي به جرح برعهده ديوان داوري اتاق است و تصميم او در اين مورد قطعي است و ديوان مكلف

**نظام داوري اتاق بازرگاني بين‌المللي ❖ ۱۳۵**

نیست دلایل خود را در مورد قبول یا رد جرح اعلام کند (ماده ۷ (۴) قواعد). رسیدگی به جرح دو مرحله دارد: یکی قابل استماع بودن آن از این حیث که آیا به موقع مطرح شده یا نه، دوم از لحاظ ماهوی از این حیث که آیا ادله جرح قانع‌کننده هست یا نه. دیوان می‌تواند هر دو مرحله را یکجا تصمیم‌گیری کند یا آن را تفکیک کند اما در هر حال، ابتدا باید موضوع به داور مجروح و نیز طرف مقابل اعلام و به آنها مهلتی داده شود که اظهار نظر نمایند.

همان‌طور که پیداست، جرح داور هنگامی معنی پیدا می‌کند که او به این سمت منصوب شده باشد و الا در زمان معرفی و نامزد شدن داور، جرح معنی ندارد و اگر یکی از طرفین نسبت به استقلال و بیطرفی او ایرادی داشته باشد یا از مسائلی مطلع باشد که او را در معرض عدم استقلال قرار می‌دهد، می‌تواند نسبت به معرفی او اعتراض کند، که طبعاً دیوان داور هنگام بررسی و تأیید نصب او مراتب را ملحوظ می‌کند و اگر ادله مستندی وجود داشته باشد، جه بسا او را تأیید نکند.

جرح داور به معنای سلب اعتماد و بی‌اطمینانی نسبت به او است و اگر پذیرفته شود، حیثیت حرفه‌ای و آبروی اجتماعی او را ملوک می‌کند. متأسفانه گاه جرح داور، به عنوان عامل فشار به داور یا ایجاد تأخیر در داوری مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. اعلام جرح داور، ادامه داوری را با مانع مواجه می‌کند زیرا صلاحیت و اعتماد به او برای رسیدگی و صدور رأی تحت سؤال قرار می‌گیرد و مادام‌که این اعتماد و اطمینان باز نگردد، مشروعیت تصمیمات و اقدامات او هم مخدوش و غائب است. بنابراین، در صورت جرح داور جریان داوری متوقف می‌شود تا تکلیف جرح معلوم شود، اگر دیوان داوری اتاق جرح را بپذیرد، طبعاً داور مجروح از ادامه کار ممنوع می‌شود و مرجع داوری یکی از اعضای خود را از دست می‌دهد و باید جانشین او تعیین و انتخاب شود. در صورت رد جرح، داور به کار خود ادامه می‌دهد، اما مانع از جرح مجدد البته به علل جدید، نیست و جرح به کرات ممکن است.

نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۳۷

### (۳-۴) تعویض داور

یکی از مسائل مربوط به تشکیل مرجع داوری عبارت است از «تعویض داور». تعویض داور هنگامی پیش می‌آید که یکی از داوران از انجام وظایف خود ناتوان باشد (مانند بیماری، اشتغال به مشاغل زیاد و کمبود وقت، یا ناتوانی حرفه‌ای) یا داور فوت کند یا استعفا نماید و دیوان استعفای او را بپذیرد، یا جرح او مورد قبول قرار گیرد، و بالاخره ممکن است طرفین داوری متفقاً درخواست تعویض داور را بنمایند. (ماده ۱۲ (۱) قواعد).

علاوه بر این موارد، ممکن است خود دیوان هم به تشخیص خود به این نتیجه برسد که داور عملاً یا قانوناً قادر به انجام وظیفه نیست یا معذور است و تصمیم به تعویض او بگیرد، بدون این‌که طرفین درخواست تعویض را کرده باشند ماده ۱۲ (۲) قواعد).

تعویض داور، با جرح داور متفاوت است زیرا در تعویض، استقلال و بیطرفی داور محل تردید نیست و به همین لحاظ نحوه رسیدگی و تعیین جانشینی او نیز با

جرح فرق می‌کند. رسیدگی و تصمیم‌گیری به مسئله تعویض داور با دیوان داور است. مطابق ماده ۱۲ (۴) هرگاه در جریان رسیدگی لازم شود که داور عوض شود (مانند فوت یا بیماری، یا ناتوانی، یا جرح، یا استعفای داور، یا تشخیص دیوان، یا درخواست مشترک همه طرفها)، اولاً دیوان داور موضوع را بررسی و تصمیم می‌گیرد آیا لازم است برای تعیین جانشین داور همان تشریفات اولیه درباره انتخاب و معرفی داور اجرا شود، یا باید به طریق دیگری عمل شود. ثانیاً پس از این‌که جانشین داور مذکور به هر نحو مشخص شد و مرجع داور تکمیل گردید، دیوان می‌تواند تصمیم بگیرد که آیا لازم است جریان رسیدگی که نزد مرجع قبلی انجام شده، از نو تجدید شود و اگر آری از چه مقطعی به بعد و تا چه حدودی. از طرفی، اگر پس از اعلام ختم رسیدگی (مثلاً حین شور و صدور رأی)، تعویض داور ضرورت یابد ممکن است همان تعداد داوران باقیمانده بتوانند کار را تمام و رأی را صادر کنند و ضرورتی نداشته باشد که داور جدیدی انتخاب و تعیین گردد. زیرا در این

**نظام داورى اتاق بازرگانى بين‌المللى ❖ ۱۳۹۶**

صورت، یا باید تمام جریان رسیدگی از نو تجدید شود که مسلماً وقتگیر و پرهزینه و غیرضروری است، یا باید از داور جدید خواست که صرفاً در شور و صدور رأی مداخله کند که صحیح به نظر نمی‌رسد از او خواسته شود امضای خود را ذیل رأی بگذارد که در رسیدگی به آن مشارکتی نداشته است. این است که در ماده ۱۲ (۵) قواعد، موضوع این‌گونه حل شده که در این قبیل موارد (ضرورت تعویض داور در مرحله پس از ختم رسیدگی) در صورتی که دیوان مناسب بداند، می‌تواند پس از کسب نظر طرفین و داوران باقیمانده و سایر اوضاع و احوال مؤثر در موضوع تصمیم بگیرد و داور جانشین تعیین نکند و همان تعداد داوران باقیمانده کار را تمام کنند که اصطلاحاً آن را هیأت داور ناقص<sup>۴۸</sup> گویند. هدف از این مقررات تسهیل‌کننده، آن است که ضمن رعایت حقوق طرفین و با دادن فرصت اظهارنظر به ایشان، سرعت رسیدگی نیز تأمین شود و از تأخیرهای بی‌جا در جریان داور جلودگیری شود و ضمناً هیچ‌یک از طرفین نتوانند از امکان تعویض داور،

---

48. truncated tribunal.

برای تأخیر و اخلاص در کار داوری  
سوء استفاده نمایند.

در پایان این بخش بد نیست یادآوری  
کنیم که در داوریهای موردی تشکیل مرجع  
داوری و مسائل جنبی آن از مسائل دشوار  
و تأخیرآفرین است، زیرا مرجع سازمانی  
صالحی که بتواند به موقع تصمیم‌گیری کند  
و موانع را از سر راه بردارد، وجود  
ندارد. در قواعد داوری آنسیترال که  
برای داوریهای موردی نوشته شده، این  
نوع مسائل به «مقام منصوب‌کننده»<sup>۴۹</sup>  
ارجاع می‌شود (رك. مواد ۸ تا ۱۲ قواعد  
آنسیترال).

#### (۴) پیش‌پرداخت هزینه‌های داوری

سازمان داوری اتاق بازرگانی  
بین‌المللی در ازای خدمات و تسهیلاتی که  
برای انجام داوریها فراهم می‌کند،  
هزینه‌هایی وصول می‌کند. هزینه‌های داوری  
را نهایتاً دیوان تعیین می‌کند و مرکب از  
دو قلم اصلی است: هزینه اداری که خود  
اتاق دریافت می‌کند، و حق‌الزحمه داوران.  
البته برای ثبت درخواست داوری ۲۵۰۰ دلار

---

49. appointing authority.

به عنوان حق‌الثبت نیز دریا فت می‌شود. میزان هزینه داوری در هر پرونده نسبت به مبلغ خواسته و پیچیدگی‌های دعوا تغییر می‌کند، اما ملاک محاسبه هزینه‌ها ثابت است و مطابق جدولی است که ضمیمه شماره ۳ قواعد داوری اتاق را تشکیل می‌دهد. روش وصول هزینه‌های داوری اتاق کمی پیچیده، اما متعادل است و نسبت به طرفین مساوی و بیطرف می‌باشد.

مطابق ماده ۳۰ (۱) قواعد، دبیرکل پس از وصول درخواست داوری مبلغی را که برای تأمین هزینه‌های داوری تا مقطع تنظیم و امضای قرارنامه داوری عرفاً کافی باشد، بر اساس جدول هزینه‌ها تعیین می‌کند و به خواهان ابلاغ می‌کند که پرداخت کند، که در صورتی‌که نپردازد دعوی او در همان مرحله مختومه اعلام می‌شود اما مانع از طرح مجدد نخواهد بود. بقیه هزینه‌های داوری، بعداً در هر زمان که عملی باشد، توسط دیوان داوری محاسبه و تعیین می‌شود که پرداخت آن بالمناصفه برعهده طرفین است و مبلغ پرداختی خواهان در این مرحله نیز بابت سهم او منظور می‌شود.



شیوه وصول هزینه‌ها طوری طراحی شده که تضمین‌های لازم برای دریافت آن فراهم باشد. به نحوی که اگر پرداخت نشود جریان داورى متوقف می‌شود (ماده ۳۰ (۴) قواعد) و اگر نسبت به هر قسمت از ادعا هزینه‌های آن پرداخت نشود، آن قسمت از ادعا قابل رسیدگی نیست و مسترد شده محسوب می‌شود (ماده ۳۰ (۴) قواعد). علاوه بر این در پایان رسیدگی که رأی صادر شده نیز، دبیرخانه در صورتی رأی داورى را ابلاغ می‌کند که هزینه‌های داورى به طور کامل پرداخت شده باشد (ماده ۲۸ (۱) قواعد). پرداخت هزینه‌های داورى که دیوان داورى اتاق محاسبه و معلوم کرده، بالمناصفه بر عهده طرفین است. اما اگر یکی از طرفین (معمولاً خواننده) حاضر نشود سهم خود را بپردازد، طرف دیگر (خواهان) می‌تواند در صورت تمایل سهم او را نیز بپردازد تا داورى ادامه یابد (ماده ۳۰ (۳) قواعد).

در صورتی که خواننده دعواى متقابل مطرح کند، هزینه آن جداگانه تعیین می‌شود. در این صورت نیز پرداخت آن بالمناصفه بر عهده طرفین است، اما اگر

**نظام داورى اتاق بازرگانى بین‌المللى ❖ ۱۴۳**

خوانده متقابل (خواهان) سهم خود درباره دعوی متقابل را ندهد، خواهان متقابل می‌تواند سهم او را بپردازد تا ادعای تقابل قابل رسیدگی باشد (ماده ۳۰ (۴) قواعد و نیز ماده ۱ (۳) ضمیمه شماره ۳ قواعد). در صورتی‌که در طول رسیدگی، مبلغ خواسته اصلی یا متقابل افزایش یابد، دیوان دآوری متناسباً هزینه‌های آن مطابق جدول هزینه‌ها را تعدیل و تعیین می‌کند (ماده ۳۰ (۲) قواعد).

تصمیم نهایی در مورد مسؤولیت هزینه‌های دآوری اعم از آنچه دیوان تعیین کرده و به اتاق پرداخت شده یا سایر هزینه‌ها (مانند حق‌الوکاله یا هزینه کارشناسی)، با مرجع دآوری ذیربط است که هنگام صدور رأی مشخص نماید که هزینه‌های دآوری برعهده کدامیک از طرفین است و یا هر یک از خواهان و خوانده چه مقدار از آن را باید برعهده گیرند. بنابراین گرچه ممکن است خواهان مجبور شده باشد تمام هزینه‌ها را بپردازد تا دعوی او پیش رود و به رأی برسد، اما چه بسا دیوان دآوری ضمن رأی خوانده را که از پرداخت سهم خود از هزینه‌ها

استنکاف ورزیده به پرداخت هزینه‌ها یا قسمتی از آن نیز محکوم نماید که طبعاً قسمتی از محکوم به را تشکیل می‌دهد و قابل وصول است (ماده ۳۱ (۳) قواعد). لازم به یادآوری است که هزینه دادرسی یا خسارات دادرسی که مرجع داور در رأی خود اعلام می‌کند محدود به هزینه‌های داور و اتاق نیست بلکه شامل سایر هزینه‌های حقوقی از قبیل حق الوکاله، حق الزحمه کارشناس یا مخارج حقوقی و غیرحقوقی (مانند هزینه مسافرت و غیره) نیز می‌شود، که در ماده ۳۱ (۱) قواعد داور و اتاق نیز به آن اشاره شده است.

تعیین میزان هزینه‌های داور و وصول آن در دو مقطع صورت می‌گیرد: یکی در مرحله اول از رسیدگی که درخواست داور تسلیم شده و مرجع داور تشکیل می‌شود، تا زمان امضای «قرارنامه داور». در این مقطع، دبیرخانه با توجه به محتوای درخواست اولیه و همان مقدار اطلاعاتی که در دست دارد، مبلغی را که عرفاً برای تأمین هزینه‌ها تا مقطع تنظیم و امضای قرارنامه داور کافی باشد، به عنوان «پیش‌پرداخت موقتی هزینه‌ها» تعیین می‌کند

**نظام داور و اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۴۵**

و به خواهان ابلاغ می‌نماید که آن را پرداخت کند (ماده ۳۰ (۱) قواعد) همچنین ماده ۱ (۲) ضمیمه شماره ۳ در مورد هزینه‌ها). ماده ۴ (۴) قواعد در این مورد می‌گوید خواهان مکلف است ضمن تسلیم نسخ کافی از درخواست خود، پیش‌پرداخت هزینه‌ها را نیز بپردازد. جدا کردن هزینه این مرحله از مراحل بعدی داور و گذاشتن آن برعهده خواهان از الحاقات به قواعد داور جدید است و هدف از آن این است که اولاً خواننده که باید نصف هزینه‌ها را بپردازد، نتواند در همین ابتدای داور با عدم پرداخت سهم خود انعقاد جریان داور و تشکیل مرجع داور و سایر کارها را با تأخیر و کندي مواجه سازد، و ثانیاً میزان هزینه آن محدود به همین مرحله مقدماتی باشد که تأمین و پرداخت آن از عهده خواهان برآید و رسیدگی قابل ادامه شود. به هر حال، مطابق ماده ۳۰ (۴) قواعد اگر خواهان این هزینه موقتی را نپردازد، رسیدگی متوقف می‌شود ولی مانع از این نیست که مجدداً دعوی خود را مطرح کند.

مقطع دوم برای تعیین هزینه‌ها، هر

زمانی پس از این مرحله است که دیوان عملاً بتواند هزینه‌های داوری را محاسبه و تعیین کند، یعنی زمانی که اطلاعات و اسناد و مدارک بیشتری در پرونده مبادله شده و طرفین اظهارات و مکاتباتی داشته‌اند و مبلغ خواسته یا خواسته متقابل مشخص‌تر شده و احیاناً قرارنامه داوری تنظیم و امضا شده و پرونده به مرجع داوری تحویل گردیده است. این است که ماده ۳۰ (۲) قواعد می‌گوید همین‌که عملی و ممکن باشد، دیوان داوری مبلغ هزینه‌های داوری و رسیدگی به ادعای اصلی و ادعای متقابل را به میزانی که برای تأمین حق‌الزحمه داوران و هزینه‌های اداری اتاق کافی باشد محاسبه و تعیین می‌نماید، و اگر بعداً مبلغ ادعاها تغییر یافت، میزان هزینه‌های داوری هم تعدیل خواهد شد.

هزینه‌های داوری که برای رسیدگی به پرونده دیوان تعیین می‌کند در کلیه مراحل تا زمان صدور رأی است، اما ممکن است طرفین قبل از صدور رأی به مصالحه دست یابند و بخواهند دعوا را مختومه نمایند. در این صورت بسته به این‌که

**نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۴۷**

دعوا در چه مرحله‌ای مصالحه شود و داوران چه مقدار کار کرده باشند، مطابق ماده ۲ (۶) ضمیمه شماره ۳ قواعد دیوان داور، فقط هزینه‌های آن مقدار رسیدگی را که تا مرحله مصالحه انجام شده است، به تشخیص خود تعیین و وصول می‌کند و باقیمانده هزینه‌های پرداخت شده را به پرداخت‌کننده مسترد می‌نماید - لکن ۲۵۰۰ دلار حق‌الثبت که هنگام ثبت پرونده در دبیرخانه پرداخته شده، قابل استرداد نیست.

گفتیم هزینه‌های داور که اتاق وصول می‌کند، براساس جدولی محاسبه می‌شود که ضمیمه شماره ۳ قواعد داور است. ضریب هزینه‌های اداری با مبلغ ادعا نسبت معکوس دارد، یعنی هرچه مبلغ ادعا بیشتر باشد ضریب آن کوچکتر می‌شود. اما تعیین حق‌الزحمه داوران تابع وضع پرونده و پیچیدگی‌های حقوقی آن، مدت زمانی که برای رسیدگی لازم است، و نیز مهارت داور یا داوران است. به همین لحاظ گرچه حق‌الزحمه داوران هم تابع مبلغ ادعا است که ضریب آن در جدول هزینه‌ها آمده است، اما این مبلغ با اعمال دو ضریب تعیین

می‌شود که حداقل و حداکثر حق‌الزحمه داوران را بین حداقل و حداکثر مشخص می‌نماید.<sup>۵۰</sup> (ماده ۳۱ (۲) قواعد و نیز ماده ۲ (۲) ضمیمه شماره ۳ قواعد).

سیستم تعیین هزینه‌های داوری در اتاق چند فایده مهم دارد. اولاً مانع از این می‌شود که طرفین - بویژه خواننده - به اقدامات تأخیری متوسل شوند یا ادعای گزاف و واهی مطرح نمایند، زیرا اگر یکی از طرفها دعاوی متورم مطرح نماید مجبور است هزینه آن را بپردازد تا قابل رسیدگی باشد والا مسترد شده محسوب می‌شود. دوم، وجود جدول هزینه‌ها با ضریب‌های مشخص و ثابت باعث می‌شود محاسبه و وصول هزینه‌های داوری تابع ضابطه شود و دلبخواهی نباشد و نسبت به همه طرفها به صورت مساوی عمل شود. سوم، طرفین می‌توانند از قبل با مراجعه به جدول هزینه‌ها، ارزیابی کنند که مراجعه به داوری چه مقدار هزینه و مخارج دربر

---

۵۰. نمونه‌هایی از محاسبه هزینه‌های داوری در دعاوی با خواسته‌های مختلف، در جدول نمونه ضمیمه شماره ۳ قواعد داوری اتاق در مورد جدول هزینه‌های داوری آمده است که در بخش اسناد بین‌المللی همین شماره مجله حقوقی چاپ شده است.

خواهد داشت - امري که براي بازرگانان از اهميت زيادي برخوردار است. چهارم، وجود جدول و ضريبهاي حداقل و حداکثر براي حق الزحمه داوران، طرفين دعوا و داوران را از اين که براي تعيين حق الزحمه مذاکره نمايند يا احياناً در موقعيت سخت چانه زني يا محظورهاي اخلاقي قرار گيرند، معاف مي سازد. به علاوه، چون داوران حق الزحمه مربوط را مستقيماً از طريق اتاق دريافت مي کنند و تماسي با طرفين ندارند شخصيت و حریم آنها بهتر حفظ مي شود.

#### **(۵) تعيين محل داوري**

طرفين مي توانند در موافقتنامه داوري توافق کنند که داوري در چه محلي و کدام کشور برگزار شود. اما در صورتي که محل داوري معلوم نباشد، از جمله مسائلي که بايد در مرحله اول داوري يعني هنگام تسليم درخواست داوري و شروع دعوا تعيين تکليف شود، همين محل داوري است که مرجع داوري بايد در آنجا تشکيل شود و کار خود را انجام دهد. تعيين محل داوري از نظر حقوقي پيامدهاي



قابل توجهی دارد که تفصیل آن در اینجا ضرورتی ندارد. همین‌قدر اشاره می‌کنیم که گرچه داوری اتاق از نوع داوری بین‌المللی است و مرجع داوری مطابق قواعد داوری اتاق به دعوا رسیدگی می‌کند و به مقررات و قوانین داوری یا قوانین ماهوی کشور محل داوری مأخوذ نیست، اما به هر حال مکلف است قوانین آمره و نظم عمومی آن کشور را رعایت کند که همین امر ممکن است پاره‌ای محدودیتهای حقوقی برای او ایجاد کند. البته امروزه کشورها سعی می‌کنند با تصویب قوانین پیشرفته در زمینه داوری حداکثر تسهیلات را برای برگزاری داوری‌های بین‌المللی در خاک خود برقرار نمایند و مراجع قضایی آنها در جریان داوری‌هایی که در سرزمین آنها برگزار می‌شود، کمتر دخالت نماید و این را از جمله امتیازات و جاذبه‌های بین‌المللی و اعتبار حقوقی نظام حقوقی خود می‌شمرند (مانند سوئیس و فرانسه) کما این‌که در کشور ما نیز، در سال ۱۳۷۶ قانون داوری تجاری بین‌المللی به تصویب رسید که در داوری‌های بین‌المللی که در ایران برگزار می‌شود قابل اجرا است و

**نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۵۱**

آزادي عمل فراواني براي طرفين و داوران قائل شده و آن را قانونمند کرده و رويهمرفته تسهيلات حقوقي فراواني نيز براي حسن برگزاري آنها فراهم نموده است.<sup>۵۱</sup>

مطابق ماده ۱۴ قواعد داوري اتاق، در صورتي که طرفين در اين مورد توافق نکرده باشند، ديوان اتاق با ملاحظه و دقت در موضوع دعوا، تابعيت طرفين و داوراني که تعيين شده اند يا ميشوند، و نيز با توجه به قوانين کشور مورد نظر درباره داوري تجاري بين المللي که تا چه اندازه حمايت کننده و تسهيل کننده باشد، و همچنين با توجه به ملاحظات از قبيل سهولت رفت و آمد به کشور مورد نظر، « محل داوري» را تعيين مينمايد که تصميم او در اين مورد قطعي ميشود. اثر مهم محل داوري آن است که جلسات داوري و استماع و نيز صدور رأي داوري بايد در

---

۵۱. رک. دکتر سيد جمال سيفي، «قانون داوري تجاري بين المللي ايران همسو با قانون نمونه داوري آنسيترال» مجله حقوقي، شماره ۲۳ صفحات ۳۵ تا ۸۲؛ دکتر گودرز افتخار جهرمي، «تحولات نهاد داوري در قوانين موضوعه ايران و دستاورد آن در حوزه داوري بين المللي»، مجله تحقيقات حقوقي، (ويژه اولين کنفرانس بين المللي داوري) شماره ۲۷-۲۸، پاييز و زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۳.

آن محل انجام شود و حتی اگر با توافق طرفین جلسات در محل دیگری برگزار شود، مفروض است که در «محل داور» برگزار شده و مشمول مقررات احتمالی آن محل است. تا جایی که به صدور رأی مربوط می‌شود، رأی داور تابعیت کشور محل صدور را دارد (ماده ۲۵ (۳) قواعد).

#### **(۶) تنظیم قرارنامه داور**

از جمله کارهای دیگری که باید در مرحله اول جریان داور انجام شود، تنظیم قرارنامه داور است. پس از انتخاب داور یا داوران و تشکیل مرجع داور، دبیرخانه پرونده را به آن مرجع داور تسلیم می‌کند. از این زمان به بعد، طرفین مستقیماً با مرجع داور در تماس هستند و کلیه مکاتبات و لوایح خود را به او می‌دهند و نسخه‌ای هم به دبیرخانه ارسال می‌کنند. داور یا داوران نیز باید نسخه‌ای از مکاتبات و تصمیمات و اقداماتی که انجام می‌دهند به دبیرخانه ارائه کنند و اگر حیثاً سؤال یا ابهامی درباره نحوه انجام کار داشته باشند می‌توانند از دبیرخانه راهنمایی

**نظام داور اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۵۳**

بگیرند. طرف کلیه تماس و مکاتبات در دبیرخانه، مشاور حقوقی دبیرخانه است که در ابتدای تشکیل پرونده برای آن تعیین شده است.

در این مقطع، مرجع داورى تکلیف مهمی دارد که در واقع پیش شرط ورود آن به مرحله دوم از رسیدگی است و آن تهیه و تنظیم «قرارنامه داورى» است. به موجب ماده ۱۸ (۱) از قواعد داورى اتاق، همین‌که مرجع داورى پرونده را از دبیرخانه تحویل گرفت باید ظرف دو ماه، براساس مدارک یا با حضور طرفین، و در پرتو آخرین لوایحی که طرفین تا این مقطع ارائه کرده‌اند سندی را که شرح وظایف و مأموریت آن را مشخص می‌کند، تهیه و تنظیم کند» به این ترتیب قرارنامه داورى، سندی است که به موجب آن حدود اختیارات و شرح وظایف داوران تعیین می‌شود که به کدام دعوا و با چه مشخصاتی و با چه شرایطی باید رسیدگی نمایند. این سند، در واقع منشور داورى و دستورالعمل نحوه برگزاری داورى است و در حکم قراردادی است که بین طرفین و داوران منعقد می‌شود و حدود و ثغور کار

را مشخص می‌نماید.<sup>۵۲</sup>

مطابق ماده ۱۸ (۱) قواعد، قرارنامه داوری باید مشتمل بر امور زیر باشد:

- اسم و مشخصات و آدرس اصحاب دعوا برای ابلاغها
- خلاصه‌ای از ادعاها و خواسته هریک از طرفین، با ذکر مبلغ
- تعیین موضوعات مورد اختلاف (تحریر محل نزاع)، مگر اینکه به نظر مرجع داوری لازم نباشد.
- اسم و مشخصات و آدرس داوران
- تعیین محل داوری
- تعیین آیین رسیدگی و اینکه آیا داوران حق دارند به صورت کدخدامنشی یا براساس عدل و انصاف تصمیم بگیرند یا نه؟

---

۵۲. «قرارنامه داوری» ترجمه terms of reference انگلیسی یا act de mission فرانسه است که همان‌طور که اشاره شد، حاوی شرح وظایف و مأموریت داوران است این اصطلاح برای شرح وظایف کارشناس یا هر شخص دیگر که مأموریت مشخصی دارد نیز به‌کار می‌رود. این اصطلاح به «قرار داوری»، «داوری‌نامه»، «موافقتنامه داوری» و «سند داوری» نیز ترجمه شده است. اما به گمان ما «قرارنامه داوری» برای آن مناسبتر است زیرا هم از خلط آن با قرارداد یا موافقتنامه داوری که توافق اولیه طرفین در ارجاع به داوری است جلوگیری می‌کند و هم خصلت الزام‌آور آن را می‌رساند، و بهتر افاده مقصود می‌کند.

پس از این‌که سند مذکور تهیه شد، به امضای طرفین و داوران می‌رسد و یک نسخه آن به دیوان داوران تسلیم می‌شود و داوران در چارچوب آن ادامه می‌یابد. در صورتی‌که یکی از طرفین در جریان تهیه این سند مشارکت نکند یا آن را امضا نکند، مانع از ادامه کار نیست، بلکه مرجع داوران آن را به دیوان می‌دهد و در صورتی‌که دیوان آن را تصویب کند، جریان داوران ادامه می‌یابد (ماده ۱۸ (۳) قواعد). مرجع داوران مکلف است ظرف ۲ ماه قرارنامه داوران را تهیه نماید و در صورتی‌که مهلت بیشتری لازم داشته باشد، می‌تواند با ذکر ادله از دیوان درخواست تمدید کند.

درباره ضرورت «قرارنامه داوران» گفتگوهای زیادی بین حقوقدانان و متخصصین داوران بین‌المللی صورت‌گرفته است و بویژه حقوقدانان متعلق به حقوق عرفی از آن انتقاد کرده‌اند و گفته‌اند با وجود موافقتنامه اولیه داوران، تهیه این سند لازم نیست و موجب اتلاف وقت می‌شود. با این همه، تنظیم این سند به طور سنتی یکی از ویژگی‌های نظام داوران اتاق

بازرگانی است و سابقه آن به رویه سنتی حقوق فرانسه برمی‌گردد که برای شروع داوری، تأیید و تنفیذ موافقتنامه اولیه داوری را لازم می‌دانسته است.<sup>۵۳</sup> صرفنظر از تاریخچه حقوقی «قرارنا مه داوری»، تنظیم این سند هم فوائد عملی دارد و هم آثار حقوقی. در مورد فوائد عملی آن می‌توان نکات زیر را ذکر کرد. اولاً، تنظیم این سند که در آستانه داوری و تشکیل پرونده انجام می‌شود فرصتی ایجاد می‌کند که طرفین و وکلای آنها با یکدیگر آشنا شوند و به پاره‌ای نظرات و روحیات یکدیگر پی‌برند. ثانیاً، باعث می‌شود

---

۵۳. پدیده «قرارنامه داوری» خاص داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی است و ریشه در یکی از الزامات حقوق دادرسی فرانسه دارد و از محدود موارد انعکاس حقوق فرانسه در نظام داوری اتاق است. توضیح این‌که برخلاف سیستم حقوق عرفی، مطابق قوانین سابق فرانسه مادام‌که اختلاف عملاً بوجود نیامده ارجاع آن به داوری ممکن نبود، در نتیجه صرف موافقتنامه داوری یا درج شرط داوری در قرارداد در مورد اختلافات و دعاوی احتمالی که ممکن است در آینده حادث شود برای التزام به داوری کافی نبود بلکه پس از بروز اختلاف نیز باید طرفین موافقتنامه داوری پیشین را تنفیذ و تأیید یا در واقع مجدداً منعقد کنند. تنظیم قرارنامه داوری که ضمن آن طرفین ملزم می‌شوند مطابق قواعد داوری اتاق عمل کنند، به معنای همین تنفیذ یا انعقاد مجدد است و برای رفع همین اشکال تعبیه شده است. رک.

Gillis Wetter, "The Present Status of the International Court of Arbitration of ICC – An Appraisal", American Review of Int'l Arbt., vol. 1, No. 1, 1990.

نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۵۷

ابهامات مواضع طرفین روشن شود و اکنون که طرفین می‌خواهند وارد مرحله رسیدگی حقوقی شوند تصویر نسبتاً روشن‌تری نسبت به ادعاها و مدافعات به دست آورند و گاه همین آشنایی با مواضع و استدلالات موجب می‌شود که یا در همین مقطع مصالحه کنند و یا لااقل ادعاهای بی‌مبنا و متورم را کنار گذارند و با دید واقع‌بینانه‌تری به قضیه بنگرند. ثالثاً، این فرصت برای رفع ابهامات احتمالی از موافقتنامه داور یا توافقیهای جدید در مورد مسائلی که مغفول مانده، بسیار مطلوب است. کما این‌که ضمن همین سند «قرارنامه داور» است که می‌توان درباره مسائل مورد نزاع، و موضوعاتی مانند زبان داور، مکان داور، قانون ماهوی حاکم، نحوه ارائه ادله و مدارک، افشای مدارک، معرفی شهود و یا کارشناس و استماع ایشان، نحوه تبادل لوایح و جلسه استماع و نکات ریزتری که در جریان رسیدگی پیش می‌آید، توافق نمود و در نتیجه جریان داور را بویژه در دعاوی پیچیده و سنگین روان‌تر و سریع‌تر نمود.

از نظر حقوقی نیز، تنظیم این سند



سودمند است. اولاً از حیث ساماندهی و تنظیم نحوه رسیدگی ماهوی مفید است و مانع از آشفتگی و پراکندگی یا بلا تکلیفی در جریان داورى می‌شود. به عنوان مثال، در این سند باید ادعاها (اعم از اصلی یا تقابل) احصا و مشخص شود، و در نتیجه ادعای جدید در طول داورى مسموع نیست، کما این‌که ماده ۱۹ قواعد داورى نیز در این مورد می‌گوید پس از امضای قرارنامه داورى یا تصویب آن در دیوان، هیچ‌یک از طرفین نمی‌تواند ادعای جدیدی را مطرح نماید، مگر این‌که مرجع داورى اجازه دهد. ثانیاً با امضای این سند، هرگونه ابهام و تردید در مورد موافقتنامه اصلی داورى مرتفع می‌شود. ثالثاً، در مرحله اجرای رأی داورى یکی از موارد اعتراض به رأی و حتی ابطال آن نزد دادگاهی که به مسئله اجرای حکم رسیدگی می‌کند، این است که داوران از حدود اختیار و صلاحیت خود تجاوز کرده باشند، و مثلاً نسبت به موضوعی رسیدگی و رأی داده باشند که جزو موضوع داورى نبوده است. وجود قرارنامه داورى این فایده مهم را دارد که موضوع یا موضوعات تحت داورى را مشخص می‌کند و

**نظام داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۵۹**

ابزار مطمئن و خوبی برای کنترل صلاحیت  
داوران برای صدور رأی به دست می‌دهد. در  
داخل سیستم نظارت اتاق هم وجود این سند  
برای بررسی رأی توسط دیوان داوری مفید  
است زیرا دیوان می‌تواند با مراجعه به  
آن کنترل نماید که آیا همه موضوعاتی که  
به داوری ارجاع شده، صحیحاً رسیدگی و  
مورد حکم واقع شده یا نه، و آیا داوران  
از اختیارات خود تجاوز کرده‌اند یا نه.  
همین بررسی‌ها و کنترل‌ها است که ضریب  
اطمینان اجرای رأی را بالا می‌برد و  
نهایتاً داوری اتاق را به عنوان شیوه‌ای  
مؤثر و مطمئن برای حل و فصل اختلافات  
تجاری اعتبار و ارتقاء می‌بخشد.

به هرحال، چنانکه اشاره شد، تنظیم  
قرارنامه داوری از ویژگی‌های سنتی نظام  
داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی است و  
علیرغم گفتگوها و تردیدهایی که در مورد  
حفظ یا حذف آن از قواعد وجود داشت، در  
ماده ۱۸ قواعد جدید داوری اتاق ابقاء  
شده و ابهامات آن مرتفع شده است.

#### (۷) تهیه برنامه زمانی رسیدگی

مطلب دیگری که در مرحله اول جریان

داوري بايد تعيين تکليف شود برنامه رسيدگي است. در قواعد جديد داوري اتاق که از سال ۱۹۹۸ لازم الاجرا شده، نهايت تلاش به عمل آمده که موجبات سرعت رسيدگي فراهم شود. از جمله تدبيرهاي که براي اين منظور در قواعد آمده تکليف مرجع داوري است که همزمان با تهيه قرارنامه داوري يا کوتاه زماني پس از آن، بايد برنامه زماني خود را براي رسيدگي هاي بعدي تهيه و به طرفين و ديوان داوري تسليم نمايد (ماده ۱۸ (۴) قواعد). از طرفي مطابق ماده ۲۴ (۱) قواعد، مرجع داوري بايد ظرف شش ماه از تاريخ امضاي قرارنامه داوري رسيدگي را به پايان برد و رأي بدهد. بنابراين فايده مهم تنظيم برنامه زماني آن است که اولاً مرجع داوري را مأخوذ ميکند که هنگام برنامه ريزي براي رسيدگي هاي آتي، توجه کافي مبذول دارد که واقع بينانه عمل کند و ظرف شش ماه داوري را به انجام رساند. ثانياً او را ملزم ميکند که در طول رسيدگي برنامه را رعايت کند زيرا هرگونه تغيير در برنامه زماني رسيدگي موکول به اطلاع طرفين و تصويب ديوان است. بدینسان

**نظام داوري اتاق بازرگاني بين المللي ❖ ۱۶۱**

دیوان وسیله مطمئنی برای کنترل عملکرد داوران در دست خواهد داشت و اگر به این نتیجه برسد که از انجام کار ناتوان هستند، چه بسا طبق ماده ۱۲ (۳) قواعد تصمیم به تعویض ایشان بگیرد.

## **ب- مرحله دوم: رسیدگی به ادعاها**

### **(۱) شیوه‌های رسیدگی به ادعا**

به طور کلی، دو شیوه رسیدگی و دادرسی وجود دارد: یکی حول هدایت و مدیریت دادرسی توسط دادگاه متمرکز است که در نظام حقوق نوشته متداول است، و دیگری حول مرافعه اصحاب دعوا متمرکز است و خاص نظام حقوق عرفی است که خود اصحاب دعوا جریان دادرسی را زیر نظر قاضی هدایت و اداره می‌کنند و قاضی سرانجام رأی می‌دهد. شیوه دادرسی در داورها منجمله داورها اتفاق بازرگانی علی‌الاصول بیشتر مقتبس از همین شیوه دوم است خصوصاً که در داورها اصحاب دعوا آزادی عمل زیادی دارند. مثلاً در شیوه دوم استماع شهود توسط وکلای طرفین صورت می‌گیرد که از شاهد خود یا شاهد طرف مقابل سؤالاتی را مطرح می‌کنند و قاضی

فقط در «مرتبط یا لازم بودن یا نبودن سؤالات» نظر می‌دهد درحالی‌که در شیوه اول حق سؤال از شهود باید با اجازه قاضی و از طریق دادگاه صورت گیرد.

شروع مرحله دوم از روند رسیدگی داور، پس از تشکیل مرجع داور و آماده شدن «قرارنامه داور» ممکن می‌شود و تمام اقدامات و کارهایی که طی مرحله اول انجام شده مقدمات و ضرورت‌های ورود به مرحله «رسیدگی به ادعاها» محسوب می‌شوند. در واقع، هسته مرکزی و حاکم هر داور، همین مرحله است که به ایرادات و ادعاها و خواسته‌هایی که خواهان و خوانده مطرح نموده‌اند رسیدگی و درباره اختلافات فی‌مابین تصمیم‌گیری شود و فصل خصومت گردد. مسائل و موضوعاتی که حین رسیدگی در هر داور مطرح می‌شود، خاص همان مورد است و تابع موضوع دعوا و خواسته مطروحه است و از این رو قابل نمونه‌سازی نیست. تشخیص قضایی و حقوقی داور یا داوران نیز برحسب نوع و موضوع دعوا، استدلال‌ات حقوقی ارائه شده، اسناد و مدارک و ادله‌ای که اقامه شده و بالاخره قانون ماهوی حاکم بر دعوا،

**نظام داور و اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۶۳**

متفاوت است و قابل تعمیم و مدل‌سازی نمی‌باشد. حتی « رویه داوری» که به علت تکرار در دعاوی مشابه تولید می‌شود، هرچند در داوریهایی بین‌المللی بسیار مورد توجه است، اما اعتبار موضوعی دارد و فقط در موضوع همان دعاوی که صادر شده الزام آور است، و به همین لحاظ هیچ مرجع داوری مأخوذ و ملزم به رعایت مفاد رأی مراجع دیگری داوری، نیست.

با این‌که مسائل و موضوعات مورد رسیدگی در هر داوری و به تبع، تشخیص قضایی (رأی داوران) متفاوت است، اما ابزارها و روشهای رسیدگی و سنجش دعوا و تصمیم‌گیری قابل دسته‌بندی و مدل‌بندی است. مثلاً رسیدگی به ایرادات قبل از ورود به ماهیت، تبادل لوایح، استماع شهود، ارجاع به کارشناس، درخواست ادله و مدارک، تشکیل جلسه استماع شفاهی، و سایر روشهای دادرسی، از جمله ابزارهایی هستند که هم در دادگاهها و هم داوریهها متداول است و برای ارزیابی و سنجش قضایی ادعاها به‌کار می‌رود. در قواعد داوری اتاق هم «رسیدگی» به ادعاها به کمک همین ابزارها و قالبها انجام

می‌شود، که در ماده ۲۰ قواعد داوری اتاق به آنها اشاره شده است.

## **(۲) رسیدگی به موضوعات مقدماتی**

قبل از هر چیز در صورتی‌که ایرادات صلاحیتی مطرح شده باشد، مرجع داوری باید علی‌القاعده ابتدا به آنها رسیدگی کند. چنان‌که قبلاً اشاره شد مطابق ماده ۶ (۲) و (۴) قواعد داوری اتاق، مرجع داوری صلاحیت دارد که به صلاحیت خود و قلمرو آن رسیدگی نماید. علاوه بر این، ممکن است به عنوان يك امر مقدماتی، درخواست اقدامات تأمینی (دستور موقت) شده باشد که در این صورت مرجع داوری مکلف است به عنوان يك امر فوری و مقدماتی به آن رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند و به صورت «دستور» یا «رأی جزئی» تصمیم بگیرد (ماده ۲۳ قوا عد). اختیار مرجع داوری برای صدور دستور موقت و اقدامات تأمینی مدت‌ها بین نویسندگان مورد بحث بود و بعضی عقیده داشتند که دستور موقت مستلزم اختیارات خاص دادگاهها است که از ضمانت اجرای قدرت عمومی دولتی برخوردارند. اما امروزه رویه داوری

**نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۶۵**

بین‌المللی این واقعیت را پذیرفته که در صورت توافق طرفین مسلماً مرجع داوری مربوط حق رسیدگی به درخواست دستور موقت و صدور آن را دارد. معذک برای اجرای چنین دستوری در مواردی که مخاطب آن را طوعاً اجرا نکند، ناگزیر باید به محاکم دادگستری مراجعه شود.

### (۳) شروع رسیدگی ماهوی و تبادل لوایح

مطابق ماده ۲۰ قواعد، مرجع داوری مکلف است در اسرع وقت، ابتدا واقعیات مربوط به دعوا و اوضاع و احوالی را که منتهی به بروز ادعا شده است، به روش مناسب بررسی و احراز نماید. علاوه بر این، باید ترتیب تبادل لوایح کتبی بین طرفین را بدهد و در چارچوب زمان‌بندی رسیدگی که قبلاً تدوین کرده برای آن تعیین وقت کند، و بالاخره باید ترتیب لازم برای استماع نظرات ایشان را بدهد (ماده ۲۰ (۳) و (۴) قواعد). مرجع داوری ممکن است پس از دریافت لوایح طرفین، لازم بداند مستندات و ادله اضافی در یک موضوع خاص ارائه شود یا احیاناً یکی از طرفین درخواست « افشای مدارک » از طرف



مقابل نماید (discovery) و دیوان هم آن را مناسب و مرتبط تشخیص دهد و بپذیرد، که در این صورت می‌تواند دستور دهد این قبیل مستندات و ادله اضافی یا مدارك تسلیم گردد (ماده ۲۰ (۵) قواعد). درباره اختیارات مراجع داورى برای دستور « افشای مدارك » گفتگوهای زیادی بین صاحب‌نظران وجود دارد. حقوق‌دانان متعلق به نظام حقوق نوشته کمتر با آن موافقند ولی اصحاب حقوق عرفی آن را مجاز و ممکن می‌دانند خصوصاً که تدبیر « افشای مدارك » اساساً ریشه در سیستم دادرسی حقوق عرفی دارد که امر دادرسی عملاً و عمدتاً توسط خود اصحاب دعوا هدایت و انجام می‌شود و قاضی در واقع ناظر است و سرانجام رأی می‌دهد. اما امروزه در رویه داورى بین‌المللی به طور کلی پذیرفته شده که مراجع داورى علی‌الاصول چنین اجازه‌ای ندارند، خصوصاً اگر در قواعد داورى که طرفین آن را پذیرفته‌اند، به آن تصریح شده باشد (مانند ماده ۲۰ (۵) قواعد داورى اتاق).

#### (۴) جلسه استماع

نظام داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۶۷

معمولاً آخرین اقدام مرجع داوری پس از تبادل لوایح عبارت است از برگزاری جلسه استماع شفاهی که بعد از آن ختم رسیدگی اعلام می‌شود. جلسه استماع معمولاً در محل داوری برگزار می‌شود و اگر برای سهولت، محل دیگری برای آن در نظر گرفته شود، باز هم مفروض است که در آنجا برگزار شده است (ماده ۲۵ (۳) قواعد). جلسه استماع ممکن است به درخواست یکی از طرفین یا به تشخیص خود مرجع داوری برگزار شود (ماده ۲۰ (۲) قواعد). معذک، در صورتی که مرجع داوری مناسب بداند، می‌تواند تصمیم بگیرد بدون جلسه شفاهی و صرفاً براساس لوایح و اسناد و مدارک و ادله کتبی رسیدگی نماید، اما اگر یکی از طرفین تقاضای تشکیل جلسه نماید، مکلف است جلسه را تشکیل دهد (ماده ۲۰ (۶) قواعد). در مواردی که قرار است جلسه استماع برگزار شود، مرجع داوری تاریخ و محل آن را به طرفین ابلاغ می‌کند که در آن حضور یابند. لکن در صورتی که یکی از طرفین علی‌رغم اطلاع و ابلاغ، بدون عذر موجه در جلسه حاضر نشود مانع از ادامه رسیدگی و برگزاری جلسه

نیست (ماده ۲۱ (۱) و (۲) قواعد). جلسه استماع داور، غیرعلنی است و فقط اصحاب دعوا و نمایندگان و وکلای ایشان حق شرکت دارند و حضور افراد غیر ذی‌مدخل در جلسه در صورتی مجاز است که هم طرفین و هم داوران اجازه دهند (ماده ۲۱ (۳) قواعد). در جلسه استماع، معمولاً خواهان و خوانده مطالب و نظرات خود را بیان می‌کنند، شهود استماع می‌شوند و در صورتی که پرونده به کارشناس ارجاع شده باشد، کارشناس نیز احضار و نظرات او شنیده می‌شود (ماده ۲۰ (۲) قواعد).

با این‌که ماده ۲۰ قواعد داور، اتفاق و سایر مواد آن، ابزارها و قالب‌های رسیدگی را مشخص کرده، اما همچنان این سؤال باقی می‌ماند که رسیدگی چه موقع پایان می‌پذیرد و کی می‌توان گفت موازین لازم رعایت شده و همه ابزارهای لازم برای یک داور منصفانه و بیطرفانه به‌کار گرفته شده است. پاسخ این سؤال مسلماً بسته به موضوع دعوا منصفانه و بیطرفانه به‌کار گرفته شده است. پاسخ این سؤال مسلماً بسته به موضوع دعوا و مسائلی که در هر پرونده مطرح است فرق می‌کند و

**نظام داور، اتفاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۶۹**

نمی‌توان ملاک ثابتی برای آن تعیین کرد. آنچه مهم است این است که رسیدگی به صورت صحیح و با رعایت قواعد داور و موازین حقوقی انجام شود و با طرفین به شیوه‌ای مساوی و بی‌طرفانه رفتار شده باشد، و مهم‌تر از همه این‌که فرصت کافی و معقولی برای ارائه مطالب و دفاعیات به ایشان داده شود ماده ۱۵ (۲) قواعد همین ملاک (ابژکتیو) را برگزیده است و در ماده ۲۲ (۱) قواعد نیز گفته شده مرجع داور باید قانع شود که طرفین فرصت دفاع داشته‌اند.

#### **(۵) قانون شکلی و ماهوی حاکم**

آیین دادرسی و داور تابع قواعد داور و اتقاق است (ماده ۱۵ قواعد) و داوران مکلف نیستند قانون آیین دادرسی کشوری را رعایت نمایند، اما به هر حال باید هنگام رسیدگی قوانین آمره کشور محل رسیدگی را رعایت کند و الا چه بسا رأی صادره در مرحله اجرا دچار مشکل شود. اما در صورتی‌که طرفین مقررات دادرسی خاصی را انتخاب کرده باشند که در داوریشان اعمال شود، مرجع داور

باید آن را محترم شمرد و چنانچه در این مقررات به قانون داخلی نیز اشاره شده باشد که باید در داوری اعمال شود، باید آن را رعایت نمایند (ماده ۱۵ (۱) و (۲) قواعد). مثلاً در قوانین بعضی کشورها مقرر شده که نصب داور باید به تأیید دادگاه محلی نیز برسد یا گاه در قوانین داخلی پیشبینی شده که اگر خواهان تبعه خارجی باشد باید برای هزینه دادرسی تضمین بدهد، یا گاه مقرر شده که رأی داور باید مستدل باشد.

در مورد قانون ماهوی حاکم بر دعوا، مطابق اصل آزادی اراده (اتونومی) اولویت با انتخاب و توافق خود طرفین است که می‌توانند قانون داخلی هر کشور را که مناسب بدانند به عنوان قانون ماهوی حاکم برگزینند، یا به جای انتخاب قانون کشور خاصی احیاناً توافق کنند که دعوا مطابق اصول کلی حقوقی حل و فصل خواهد شد، و یا مقرر نمایند ترکیبی از این دو منبع حقوقی در ماهیت دعوا اعمال و اجرا شود. در صورتی که طرفین قانون ماهوی را انتخاب نکرده باشند، طبق ماده ۱۷ (۱) قواعد داوری اتاق، مرجع داوری

**نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۷۱**

قواعد حقوقی که خود مناسب دعوا تشخیص دهد انتخاب و اعمال می‌کند. اما در هر حال مرجع داورى مکلف است مفاد قرارداد و نیز عرف تجاری مرتبط با موضوع دعوا را اعمال نماید. در این ماده ۱۷ (۱) قواعد، دو نکته ظریف وجود دارد. اولاً صحبت از «قواعد حقوقی» است و نه «قانون حاکم». این ظرافت در تعبیر، ناظر به این نکته است که لازم نیست مرجع داورى در جستجوی قانون مناسب، حتماً قانون موضوعه يك کشور خاص را به عنوان قانون حاکم بر ماهیت برگزیند، بلکه می‌تواند هرگونه قواعد حقوقی را که مناسب بداند اعمال کند، اعم از این‌که قانون داخلی يك کشور باشد یا اصول کلی حقوقی یا ترکیبی از آن دو. به عبارت دیگر مفهوم قواعد حقوقی اعم از قانون داخلی است. ثانیاً مرجع داورى می‌تواند در مقام تعیین قانون ماهوی حاکم بر دعوا، هرگونه قواعد حقوقی را که با توجه به موضوع دعوا مناسب و مرتبط بداند، مستقیماً برگزیند و نیازی ندارد که به قواعد سنتی حل تعارض قوانین یا انتخاب قانون مناسب توسل

جوید. این حکم ماده ۱۷ (۱) قواعد هماهنگ با رویه معاصر در داوری بین‌المللی است. مطابق ماده ۳۵ قواعد، در کلیه اموری که قواعد داوری ساکت باشد مرجع داوری باید مطابق روح قواعد رسیدگی نماید و نمی‌تواند به علت سکوت قواعد از رسیدگی امتناع ورزد.

#### (۶) ختم رسیدگی

قاعده کلی برای ختم رسیدگی آن است که در هر پرونده باید به هر دو طرف فرصت کافی و معقول برای اظهار مطالب و دفاعیات آنها داده شود و مرجع داوری باید قانع شود که با توجه به وضعیت دعوا و مسائل مطروحه در آنها، طرفین از چنین فرصتی برخوردار شده‌اند (ماده ۲۲ (۱) قواعد). پس از این اقناع است که مرجع داوری می‌تواند ختم رسیدگی را اعلام کند و وارد مرحله صدور رأی شود.

پس از ختم رسیدگی، هیچ‌گونه مطلب یا استدلال یا مدرک جدیدی از هیچ‌یک از طرفین مقبول و مسموع نیست. معمولاً ختم رسیدگی پس از جلسه استماع شفاهی اعلام می‌شود، اما گاه پیش می‌آید که مرجع

نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۷۳

داوري به طرفين اجازه مي‌دهد كه پس از استماع هم يك لايحه بدهند و سپس ختم رسيدگي را اعلام مي‌نمايند.

رسيدگي بايد در محدوده زماني خاص و مطابق برنامه زماني انجام شود كه مرجع رسيدگي هنگام تنظيم قرارنامه داوري تدوين و به ديوان ارائه کرده است (ماده ۱۸ (۴) قواعد). طبق ماده ۲۴ (۲) قواعد مرجع داوري مكلف است ظرف شش ماه از تاريخ قرارنامه داوري، كار رسيدگي را تمام كند و رأي بدهد، و اگر اين مهلت كافي نباشد، مي‌تواند با ذكر ادله موجه از ديوان داوري اتقاق درخواست تمديد نمايد. علاوه بر اين، هنگام اعلام ختم رسيدگي نيز مرجع داوري بايد مدت زمان تقريبي را كه فكر مي‌كند رأي را صادر خواهد كرد به دبیرخانه اعلام نمايد (ماده ۲۲ (۲) قواعد). قيد اين مواعيد براي اين است كه ديوان داوري بتواند عملکرد مرجع داوري را كنترل كند و مرجع داوري هم مكلف باشد سريع‌تر رسيدگي را انجام دهد.

### ج- مرحله سوم: صدور رأي



## (۱) بررسی پیشنهادی رأی توسط دیوان

مرجع داوری باید پیشنهادی رأی خود را قبل از امضا و صدور برای دیوان داوری ارسال نماید. دیوان هم رأی را بررسی و اگر ایرادات شکلی نداشته باشد، تأیید می‌کند و به داوران مرجوع می‌نماید و مرجع داوری رأی را امضا و صادر می‌کند. قبلاً درباره نحوه اعمال نظارت دیوان در مرحله صدور رأی داوری توضیح داده ایم و نیازی به تکرار نیست.<sup>۵۴</sup>

## (۲) صدور رأی

صدور رأی داوری، پایان رسیدگی است. مرجع داوری باید با توجه به مجموع لوائح و اظهارات طرفین و اسناد و مدارکی که ارائه کرده‌اند، و با رعایت قواعد حقوقی حاکم بر دعوا، تصمیم‌گیری نماید و طبق ماده ۲۵ (۲) قواعد باید با ذکر ادله و استدلال رأی بدهد.<sup>۵۵</sup> در داوری‌های يك نفره، صدور رأی آسان‌تر

---

۵۴. رك. مباحث بند ۲-۲- ب از قسمت ۲ این مقاله (ص ۵۸ به بعد)

۵۵. مرجع داوری در صورتی می‌تواند بدون ذکر دلایل رأی دهد که طرفین به او اجازه داده باشند به صورت داوری کدخدانشی یا براساس عدالت و انصاف رسیدگی نمایند (ماده ۱۷ (۳) قواعد).

است، اما در داوری‌های سه نفره ممکن است بین اعضای هیأت داوری اختلاف نظر به وجود آید که در این صورت مطابق ماده ۲۵ (۱) قواعد رأی اکثریت ملاک است، و اگر اکثریت هم تشکیل نشود، رأی رئیس هیأت کافی است. داور اقلیت می‌تواند نظر مخالف یا جداگانه خود را بدهد و ضمیمه رأی شود، اما جزو رأی داوری نیست. رأی ممکن است به صورت ترافعی باشد یا به صورت مرضی‌الطرفین و مبتنی‌بر مصالحه و سازش بین طرفین. در صورتی‌که طرفین حین رسیدگی به مصالحه دست یابند می‌توانند توافقی‌های حاصله را به مرجع داوری اعلام و درخواست کنند به صورت رأی صادر شود تا آثار حقوقی رأی را داشته باشد (لازم‌الاجرا بودن - اثر امر مختومه) که در این صورت طبق ماده ۲۶ قواعد «رأی مبتنی بر تراضی» صادر می‌شود.

رأی ممکن است به صورت «جزئی» باشد یعنی قسمتی از دعوا را مورد تصمیم‌گیری قرار داده باشد، و بقیه موضوعات را به رسیدگی‌های بعدی موکول کند؛ یا ممکن است «نهایی» که شامل کل دعوا می‌شود.

### (۳) ابلاغ رأی

دبیرخانه مسؤول ابلاغ رأی داوری است طبق ماده ۲۵ (۳) قواعد طرفین می‌پذیرند که شیوة دیگری برای ابلاغ رأی لازم نیست. مطابق ماده ۲۸ (۱) قواعد پس از اینکه دبیرخانه اطمینان حاصل نمود که هزینه‌های داوری اتاق به صورت کامل پرداخت شده، رأی را ابلاغ می‌کند. یک نسخه رأی در دبیرخانه دیوان داوری اتاق تودیع می‌شود و اگر طرفین نسخ اضافی بخواهند، آن را تصدیق و به ایشان تسلیم می‌نماید.

مطابق ماده ۲۸ (۶) قواعد، رأی داوری قطعی و لازم‌الاجرا است و طرفین با مراجعه و قبول قواعد داوری اتاق حق خود را برای اعتراض و استینافخواهی نسبت به رأی صادره ساقط می‌کنند - البته تا جاییکه این اسقاط حق قانوناً ممکن باشد که در این مورد قبلاً توضیح کافی داده ایم.

### (۴) اصلاح و تفسیر رأی

یکی از نوآوری‌هایی که هنگام تجدیدنظر در قواعد داوری اتاق در سال

نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ❖ ۱۷۷

۱۹۹۸ انجام شده، این است که رأی داور قابل اصلاح و تفسیر است و هم مرجع داور و هم هر یک از طرفین می‌توانند ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی تقاضا کنند که اشتباهات نگارشی یا محاسباتی که احیاناً در رأی وجود دارد اصلاح شود یا اگر قسمت‌هایی از آن مبهم است، تقاضای تفسیر رأی را بکنند (ماده ۲۹ قواعد). درخواست اصلاح یا تفسیر رأی باید به طرف مقابل ابلاغ و فرصتی - که به هر حال بیش از ۳۰ روز نخواهد بود - به او داده شود که اظهار نظر نماید و سپس مرجع داور به تقاضای مذکور رسیدگی می‌نماید. رأی اصلاحی یا تفسیری مرجع داور باید ظرف ۳۰ روز صادر شود و جزء رأی اصلی محسوب می‌شود و همان تشریفات مربوط به صدور رأی اصلی - مانند بررسی توسط دیوان و ابلاغ از طریق دبیرخانه - در مورد رأی اصلاحی و تفسیری نیز اجرا می‌شود (ماده ۲۹ (۳) قواعد).

#### (۵) اجرای رأی داور

گفتمیم آراء داور اتاق بازرگانی بین‌المللی قطعی و لازم‌الاجرا است (ماده

۲۸ (۶) قواعد). اما لازم الاجرا بودن رأی غیر از اجرای آن است و در صورتی که محکوم علیه حاضر نشود طوعاً مفاد رأی را اجرا نماید، ناچار باید به محاکم داخلی کشور محل اقامت یا محل وقوع اموال او مراجعه و درخواست شناسایی و اجرای رأی را به عمل آورد. اجرای رأی داور در این مرحله موکول و محول به قوانین داخلی کشور محل اجرا است که تا چه حد آن را معتبر بشناسد و شناسایی نماید و سپس دستور اجرا (اجرائیه) صادر نماید.

سازمان داور و اتاق بازرگانی ابزار اجرایی برای این که رأی داور را به اجرا درآورد، ندارد. معذک مطابق ماده ۳۵ قواعد داور، مرجع داور و دیوان داور و اتاق مساعی لازم را برای این که رأی اجرا شود به عمل می آورد که منظور بیشتر اقدامات اداری است تا قضایی و اجرایی. اصولاً مسئله اجرای آراء داور موکول به قوانین و مقررات کشوری است که از محاکم آن درخواست شناسایی و اجرای رأی می شود. در حال حاضر مهم ترین سند بین المللی که در مورد اجرای آراء داور خارجی وجود دارد، «کنوانسیون ۱۹۵۸

نظام داور و اتاق بازرگانی بین المللی ❖ ۱۷۹

نیویورک در مورد شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی» است که بسیاری از کشورها به آن ملحق شده‌اند و جزو قوانین داخلی آنها محسوب می‌شود. در این کنوانسیون نحوه اجرای آراء داوری خارجی و شرایط آن، و نیز موارد عدم شناسایی و عدم اجرای رأی مشخص شده است. در صورتی که رأی با ایرادات اساسی مواجه باشد (مانند تجاوز داور از حدود اختیارات - یا نقض نظم عمومی و ...) قابل شناسایی و اجرا نیست. این کنوانسیون رویهم‌رفته تسهیلات و امکانات فراوانی برای اجرای آراء داوری قائل شده است.<sup>۵۶</sup>

علیرغم ضرورت آن، متأسفانه ایران هنوز عضو این کنوانسیون نشده ولی بررسی‌هایی برای عضویت و قبول آن در دست انجام است. در حال حاضر اگر یک رأی داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی برای اجرا به محاکم ایران تسلیم شود، مشمول قوانین و مقررات عمومی مربوط به اجرای احکام خارجی است (مانند ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال ۱۳۵۶ و نیز

---

۵۶. برای ملاحظه متن کنوانسیون مذکور، رک. مجله حقوقی، شماره ۱۴-۱۵، بهار و زمستان ۱۳۷۰، اسناد بین‌المللی.

مواد ۹۷۲ به بعد قانون مدني). البته مواد ۳۳ و ۳۴ قانون داوري تجاري بين‌المللي ايران (مصوب آذر ۱۳۷۶) مقرراتي براي اجراي احكام داوري پيشبيني نموده كه خاص داوري‌هاي بين‌المللي است كه در ايران برگزار مي‌شود. معذلك مي‌تواند به عنوان موازين و اصول حقوق ايران در مورد اجراي احكام داوري بين‌المللي مورد عمل قرار گيرد و بر رويه قضايي است كه مادام‌كه ايران به كنوانسيون مذكور ملحق نشده، ابهامات موجود در اين زمينه را مرتفع سازد.